

ملتهای عرب و
برادران لبنانی و
فلسطینی بدانند
که هر چه
بدبختی دارند
از اسرائیل و
آمریکاست



مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول، شماره ۱۵۹
سه شنبه ۱۶ بهمن ۱۳۵۸ - ۱۳۵۸ شماره ۱۵ ریال

دیر و زنده‌ها از تن از مردم تهران در بهشت زهرا بر سر مزار شهید آنگرد آمدند تا جشن نخستین سالگرد انقلاب برگ ایران و آغاز قرن پانزدهم هجری را با پیام امام خمینی، رهبر انقلاب ایران آغاز کنند. پیام امام توسط حجت الاسلام سیداحمد خمینی قرائت شد و سپس آقای ابوالحسن بنی‌صدر، رئیس جمهوری اسلامی ایران سخن گفت

(از پیام امام خمینی بمناسبت آغاز قرن پانزدهم هجری)

با شرکت هزاران نفر از اعضاء، هواداران و دوستان حزب توده ایران
بزرگداشت نخستین سالگرد انقلاب و چهلمین سالگذشت شهادت دکتر ارانی برگزار شد
رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران:

امروز مسأله اتحاد نیروها مسأله اساسی انقلاب ماست

رفیق احسان طبری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران:

حرکت تاریخ در راستای ارانی است



گوشه‌ای از مراسم بزرگداشت نخستین سالگرد انقلاب و چهلمین سالگذشت شهادت دکتر تقی ارانی

در این مراسم دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و جمعی از اعضاء هیات سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران حضور داشتند.

رفیق نورالدین کیانوری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران و رفیق احسان طبری عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب توده ایران سخنرانی کردند

خانم کسوک ارانی خواهر دکتر تقی ارانی پیام وحدت داد

صفحات ۲ و ۳

**نمایشگاه
به یاد
ارانی**
از تاریخ ۱۰ تا ۲۰ بهمن
همه روزه از ساعت ۷ تا ۳ بعد از ظهر
(با استثناء روزهای جمعه) نمایشگاهی
بیاد دکتر ارانی، رهبر زحمتکشان
ایران، در دانشکاه صنعتی شریف،
محوطه تالارها، برقرار است.
از کلیه علاقمندان دعوت
می‌گردد که از این نمایشگاه دیدن
کنند.
سازمان جوانان و
دانشجویان دمکرات ایران

ما باز هم
اصرار میکنیم:
**لیست
ساواکیها
را منتشر
کنید!**

□ اخیراً لیستی از خبر-
چینان و منابع ساواک
منتشر شده، اما لیست
اصلی ساواک که شامل
شکستگران، برنامه
ریزان و... میشود،
هنوز انتشار نیافته است.

لیست ماموران ساواک هنوز
منتشر نشده است - هنوز هم یک
سال بعد از انقلاب خونین خلق،
که دژ شکنجه و جنایت ساواک
را سرنگون کرد، عمال این
سازمان چپشی، با استناد از
فعل مقامات مسئول در انتشار
لیست جنایتکاران ساواک، در
سراسر کشور سرگرم توطئه
هستند.

اخیراً لیستی از خبرچینان و منابع
ساواک، که بطور وسیع در میان
مردم پخش شده بود، بصورت
کتابی منتشر شده است. این
لیست با اینکه کامل نیست و در
برخی موارد هم مخدوش است،
بقیه در صفحه ۲

**در ۸ صفحه
امروز:**

- چرا چریکهای فدائی
سخنان خلاف واقع
می‌گویند؟
صفحه ۶
- محله‌ای روی فاضلاب،
گزارشی از کپره‌های
چهل متری خرمشهر
صفحه ۳
- مردی بزرگ درخشم
این راه - شعری از
سیاوش کسرائی برای
دکتر ارانی
صفحه ۲

گرانی روز افزون هزینه زندگی بر دوش زحمتکشان سنگینی می‌کند
زحمتکشان را باید با تصمیمات فوری و قاطع انقلابی از زیر این بار نجات داد

به دعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام:

میلیونها نفر در ایران راه پیمائی کردند

دهها هزار نفر از مردم تبریز دیروز بدعوت دانشجویان مسلمان پیرو خط امام به خیابانها آمدند و بار دیگر اتحاد خود را با امام خمینی اعلام داشتند و در مبارزه علیه امپریالیسم آمریکا پیمان بستند. راهپیمایان بانکسپانی از امام و پلاکاردهای زیادی که حمل می کردند خواستار ادامه افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام شدند. آنها شعار می دادند:

آمریکائی سینه دیرساخت
(اگر آمریکا را نابود کنیم، اسرائیل هم نابود می شود)
بیز اولمافا حاضرین
(ما برای مردن حاضریم، سزای خمینی هستم)
ارتش نیست میلیونی ایجاد باید گردد.
دانشجوی خط امام، افشاکن افشاکن
اتحاد، اتحاد، علیه مستکبرین

در ساعت ده و سی دقیقه، راهپیمایان وارد استاد یوم باغ شمال شدک و یکی از دانشجویان دانشگاه تبریز در رابطه با رنجنامه اخیر دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، بیامی خواند. در پیام آمده بود:

«برادران و خواهران! لای شما را به گوش جان شنیدیم که چگونه در غیاب امام، فشارها بر شما بیشتر گردید و چگونه

دنباله سخنان رفیق کیانوری...

تضاد وجود دارد برای سرکوب انقلاب ایران، برای ایجاد دشواری برای انقلاب ایران متحد شده است.

چریان اشغال جاسوسخانه و افشاگریهای دانشجویان مسلمان پیرو خط امام، که یکی از اقدامات انقلابی چشمگیر جوانان مبارز پیرو خط امام است، نشان داد که تا چه حد امپریالیسم دست اندر کار توطئه برای شکست انقلاب ایران بود و تا آخرین لحظه چقدر امیدوار بود. اگر امپریالیسم اینقدر امیدوار به پیروزی توطئه های خود نبود، این همه سند را تا لحظه آخر در یک چنین جایی در لانه زبور، در جایی که تمام خلق علیه آن تجهیز شده، باقی نمی گذاشت. آنها خیلی به خودشان مطمئن بودند که حتی با اینکه چندین ساعت با تمام دستگاهها استاد را از بین می بردند، هنوز مقدار قابل توجهی، که ما جزئی از آن را می دانیم، باقی مانده است.

هنوز هم امپریالیسم آمریکا با وجود این شکستها، امکانات زیادی در کشور ما دارد. نه فقط بصورت جاسوسهای خودش، که بطور مخفی در ایران مشغول بکار هستند، نه فقط بصورت کارگرانی که در ایران دارند، نه فقط بصورت ضدانقلاب در ایران، بلکه بدون شک در دستگاه دولت انقلابی، عواملی دارد که مثل امیرانظام مشغول خدمت به امپریالیسم و خیانت به جنبش انقلابی ما هستند. سلهای آینده بدون شک چهره های دیگری و نامهای دیگری را در این صحنه تنگ و خیانت به میهن ثبت خواهد کرد.

ما در این تردیدی نداریم. ولی با وجود تمام این تلاشها از داخل و خارج، ما شاهد این هستیم که روند انقلاب ایران گام به گام به پیش می رود. رفراندم برای تثبیت جمهوری اسلامی ایران با وجود خرابکاری گروههای مختلف ضدانقلابی، با وجود اشتباهات چپ گرایان و حادثه جوانان با پیروزی بزرگی انجام گرفت. قانون اساسی، با وجود نواقص و کمبودهایی که دارد، باز هم به عنوان یکی از نهادهای جمهوری جدید نویناد ایران شکل گرفت و با وجود تمام مقاومتها، که از راههای مختلف انجام میگرفت، با اکثریت بزرگی به تصویب رسید. امپریالیسم با تمام قوا میکوشید که جلوی تثبیت این نهاد را بگیرد، ولی موفق نشد. انتخابات ریاست جمهوری انجام گرفت و مردم ایران در این انتخابات با بیداری و آگاهی و آمادگی نشان دادند که می توانند همه دسیسه های ضدانقلاب را نقش بر آب کنند. اینها برای ما بسیار شادی آور هست. این پدیده ها، با وجود کمبودها و نواقص، پیروزیهای است که روند تثبیت و تحکیم انقلاب بدست آورده است. ما معتقد هستیم که با تمام قوا بایستی در همین راه کمک کنیم برای اینکه انقلاب ما به پیش برود. ولی برای این کار ببینیم که چه چیز لازم است.

الان انقلاب ایران با دشواریهای بزرگی روبرو است، هم از لحاظ مسائل داخل کشور هم از لحاظ روابط کشور ایران با دنیای خارج. امپریالیسم با استفاده از ضربهای که در افغانستان به تلاشهای خرابکارانه اش وارد آمد، برای اینکه انقلاب ایران را محاصره بکند و شکستی را که در حوادث اخیر افغانستان خورده، جبران کند، کوشش میکند با قیافه های به کلی جدید، با قیافه دفاع از اسلام، خلق های منطقه اطراف ایران و خلقهای ایران را گمراه کند و به این شکل مردم را از سمت گیری اساسی که علیه امپریالیسم آمریکا گرفته اند، به سمت گیری دیگری متوجه کند، دشمن مجازی برای انقلاب ایران پتراند و آن شعاری را که الان ۶۲ سال است در دنیا بگوش خلقها میخوانند یعنی «خطر کمونیسم»، «خطر شوروی»، «خطر از بین رفتن دین و مذهب»، از بین رفتن آداب و رسوم، به خلقهای ایران تحمیل کند. ولی همانطور که ما در این سال شاهدش هستیم، تمام این شعله بازی امپریالیسم عاقبتش بدون موفقیت برای امپریالیسم تمام شده است.

ما جدا عقیده داریم و اطمینان داریم که مردم ایران با این بیداری و با این شور انقلابی گول این شکردهای تازه امپریالیسم را نخواهند خورد. حوادث همین یکی دو هفته اخیر در داخل کشورمان نشان میدهد که روند شناخت و واقفیت در حوادث افغانستان، روند شناخت توطئه امپریالیستی در منطقه، توطئه های که در کنفرانس کشورهای اسلام در پاکستان به اوج خود رسید، عمیق تر شده. امروز برای بسیاری از مبارزان مسلمان مسلم شده است که آنچه بنام مبارزه مسلمانان افغانستان می خوانند به خورد ملت ایران بدهند، در بخش عمده اش چیزی جز توطئه امپریالیستیهای آمریکا و انگلستان، و چین علیه تغییرات بنیادی دیمکراتیک و خلقی در افغانستان نیست. این توطئه جز یک توطئه برای محاصره انقلاب ایران و برای ازین درآوردن انقلاب ایران چیزی نیست. این شناخت روز به روز رشد می کند، که امپریالیسم آمریکا و رهبری چین که با امپریالیسم و ارتجاع جهانی ساخته است و

تهنیت بمناسبت سالگرد بازگشت امام به ایران

تکرار زیر در ۱۲ بهمن ماه به «مردم» رسیده، بمناسبت ۱۲ بهمن ماه روز سالگرد بازگشت امام خمینی به ایران، بهترین درودهای ما را به رفقای حزب توده ایران و همه همبندان ما

لیست ساواکیهارا...

بقیه از صفحه ۱
در آن قسمت خود که صحیح است، افشاکر نام خیرچینان ساواک است و راماموران، جلالان و عمال درجه اول ساواک در آن نشانی نیست.
از روز پیروزی انقلاب تا امروز، بیشتر از ۱۲۰ نفر به اتهام شکنجه و تعقیب مبارزان اعلام شده اند. این عده بخشی از جنایتکاران ساواک را تشکیل می داده اند. در این کتاب حتی نام یکی از این جنایتان هم نیامده است.

در روزهای اخیر، دادگاههای انقلاب اساسی افراد زیر را بعنوان شکنجه گران، روسا و ماموران عالی رتبه ساواک منتشر کرده و اعلام داشته اند که محاکمه آنها بزودی آغاز خواهد شد.

۱ - محمد تفرشی مقدم ۲ - امیر هوشنگ نفی ۳ - بهروز احسنی ایرانی ۴ - فتح علی صبیح پیدار ۵ - محمد حسین چوپانی ۶ - عطاله جوان بخت ۷ - جواد خداوردی خانی ۸ - بشیر منصور یوانلو ۹ - رضا یاور عشائری ۱۰ - محسن مژگونی.

اسامی هیچیک از این ماموران هم در لیست منتشر شده نیست. تحقیق بیشتر نشان میدهد که اسامی هیچیک از جلالان و عمال درجه اول ساواک مانند حسن ناصری (عضدی)، هوشنگ ازقندی (منوچهری) و شاپور زندیا، که ۱۲ سال معاون بختیار در ساواک بود، در این لیست وجود ندارد.

تأیید ترتیب لیست اصلی ساواک هنوز مخفی است. این لیست، که طبق اظهارات مقامات رسمی کشور بدست آمده و نزد مقامات کشوری محفوظ است، معرفی کننده سازمان اصلی ساواک، برنامه ریزان، شکنجه گران، کارمندان رسمی و غیره است که استخوان پندی اینست دستگاه جنینی را تشکیل می داده اند.

آنچه حزب ما تاکنون بارها و بارها از مقامات کشور طلب کرده و اهمیت آنرا در مقالات متعدد گوشزد کرده است، انتشار این لیست است. لیستی که هویت ساواک را در سازمان اصلی آن فاش می کند. انتشار این لیست و همراه کردن آن با لیست اخیر که نام برخی بزرگی از خیرچینان و منابع ساواک را شامل می شود، می تواند ضربیه بزرگی به ضدانقلاب یزید و در پشه های کندیده ساواک را، که با استفاده از تاخیر مقامات کشور بسم پیوسته اند، در نزد خلق افشا کند.

در ضمن انتشار این لیست تنها آغاز کار است. دادگاههای انقلاب باید با پیگیری انقلابی، کسانی را که در لیست ساواک قرار دارند، دستگیر کنند و هر یک را به فراخور جنایتی که در حق خلق مرتکب شده اند، محاکمه و مجازات کنند.

ما بار دیگر اصرار می ورزیم: لیست ساواکیها را منتشر کنید!

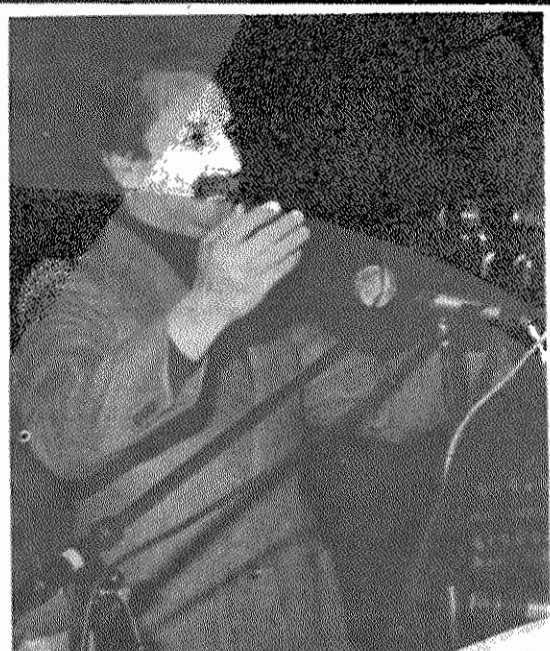
ما بار دیگر هشدار می دهیم: هر روز تاخیر در انتشار لیست ساواک، کمک به ضد انقلاب است.

توضیح
در صفحه ۳ شماره امروز، شرح عکسهای مربوط به «گزارشی از کربهای چهل متری خرمشهر، چاپ شده است که مسلماً خوانندگان گرامی متوجه این اشتباه شده اند.

دنباله سخنان رفیق کیانوری هم از صفحه ۵، به صفحه ۷ رفته است

نام نویسی در حزب توده ایران

کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که مایلند در حزب ثبت نام کنند، ولی در ایام هفته فرصت اینکار را ندارند، می توانند روزهای جمعه از ساعت ۱۱ صبح و از ۱۲ تا ۵ بعد از ظهر به دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده کارگران و زحمتکشان هوادار حزب توده ایران که در ضلع غربی دانشگاه تهران، مراجعه کنند، در شهرستانهای دلفات حزب توده ایران برای نام نویسی آماده است. متقاضیان هنگام ثبت نام حتماً شناسنامه خود را همراه داشته باشند.



سیاوش کسرایی شاعر انقلابی

برای دکترونی ارانی

مردی بزرگ در خم این راه

لقنوس وار آمد؛
پر خاسته ز توده خاکستر،
در جستجوی آتش اما
بگشوده پال و پر.

آمد همچون سمند قصه سراپا ستودنی
با پالهای سرخ
با یال شعله گون
با گام باد و برق،
بر راه کپکشانای اندیشه، رهسپر.

آمد شبانه مردی
گمراه بسته بر قلل مه نشان دور
تاییده با ارس
خو کرده با امید
با رنج برده سر.

آمد شبانه مردی با مشعلش یکف
شب را شیارای افکند
از جویبار روز
وز خون آفتاب

سهمی نهاد برد و درگاه و پام فقر
تیغی کشید بوسر کاخ ستیزه گر.

آمد شبانه مردی با نغمه ای غریب
آویخت
بر چشم و گوش بسته غمگوجهای شب
زنگوله سحر.

بگذشت هم شبانه، به شبگیر
مرد بزرگ از خم این راه
در پیش،
گرد سرخ قام سپیده
در پی و لیک خلق، بادل بیدار و چشم تر.

سیاوش کسرایی

۱۲ بهمن ۱۳۵۸

را بازگشت ناپذیر بکند و راه را برای دستاوردهای جدید، برای ایجاد یک نظام خلقی، نظام مترقی، نظام پیشرفته، نظام انسانی باز کند.
بیش برای پیروزی این هدف بزرگ تاریخی خلق و انقلاب ما!

لیست ساواکی ها را منتشر کنید!

گزارشی از کپورهای ۴ متری خرمشهر

محله‌ای روی فاضلاب...

اهالی محله: شب‌ها از ترس ریختن سقف خواب نداریم. این بدبختی هر زمستان ماست.

۵۰۰ ساکن این محله، حتی یک خانه سالم هم ندارند.

آنها که ندارند بیرون آن پشته. استفاده در روز و شب برای زن و مرد، بچه و بزرگ رایگان است. از آن پشته منظور باز هم زمینهای باری است که آب آنها بر کرده و خود منبعی از مگس و پشه و میکرب است.

وقت فرار کی می‌رسد؟

اغلب کسانی که در این محله زندگی میکنند، عرب هستند. تعدادی از آنها از لرستان، رامهرمز، شوشتر یا سایر شهرستانهای خوزستان بدبختان کار به خرمشهر آمده‌اند. اکثر آن‌ها در بندر و کمرنگ، پاربری میکنند یا دستورش هستند یا بیکار. بهترین شغل در این محله رانندگی است. البته هر کسی که در کوچترین موقعیت مساعدی قرار بگیرد از این محل فرار میکند. برای همین حتی یک خانه آبار هم پیدا نمیشود. زنبها همکی میسواد هستند. بچه‌ها اگر امکانات داشته باشند، چند کلامی درس میخوانند.

مرد جوانی به اسم سعیدقلی، که خشم و رنج در چهره آفتاب سوخته‌اش منعکس است، توضیحات بیشتری میدهد:

« شما آمدید اینجا سیر و سیاحت. میدانم اگر فاضلاب‌های ما را ببینید، فرار میکنید. روزها کارمان جمع کردن آب است. آبی که از کف اتاق بالا میزند، شبها از ترس ریختن سقف خواب نداریم. این بدبختی هر زمستان ماست.»

گوشه حیاط لحاف کهنه‌ای را پهن کرده‌اند که زیر آفتاب خشک شود و شب زیر آن بخوابند. آفتاب از کف اتاق بالا میزند، خشک شود. اتاق بغلی، که وضع نسبتاً بهتری دارد، زیلویی جابجا خیس شده است. آفتاب هیچ روزی به بیرون ندارد. فضای آن سیاه و تاریک و دیوارش درد زده است. در این محله بعضی خانه‌ها از منازل مسکونی اطراف با ماهی ۵۰ تومان سیم‌برق گرفته‌اند. در قسمتی از محله هم آب مصرفی اخیراً با کمک مالی اهالی بانسب ۶ شیر آب تامین شده است. هر شیر آب بادوشینک

از یکی از خیابانهای اصلی شهر خرمشهر که میگردد، دگروری به‌مشهد که گویی پشته آب تخلیاتی است. این دیوارها زمان طغیوت ایرانی ریا نشاء، دامن شهر گرده‌اند. یک نگاه گذرآه به پشت دیوار، که جابجا فروریخته، هر بیننده‌ای را برجا میخکوب میکند. در این، ویرانه سرا نزدیک به ۵۰۰ خانوار بارنج و درد دست و پنجه نرم میکنند. اینجا حتی اسمی هم ندارند. بعضی به آن میگویند: کپورهای

این محله بی‌نام و نشان را محوطه‌ای عریض و خاکریز بیخابان اسفالت اصلی وصل میکند. در محوطه جلوی خانه‌ها جوی پستی از آب باران و فاضلاب برآه افتاده است. خانه‌ها بی‌هیچ تریبی، قدو نیم‌قد رویف شده‌اند. یک دیوار کاهکی، یک دیوار حصیری، دیگری ازنی ضلع، چهارمی: بلوکهای سیمانی، سقفهای کوتاه، و دیوارهای کوتاه، آنقدر که می‌توان براحتی داخل حیاط را دید. کف حیاط هم خاکی است، که دراز نمی‌ازبان، به زمین شخم خورده و آبیاری شده تبدیل میشود.

در هر گوشه‌ای که آفتاب هنوز گرم‌امیخندد، مردداخته و تگران سیکاری در دست یادست در جیب به‌گفتگو ایستاده‌اند. بر درگاه محله بزها و سگها و بچه‌ها باهم برتلی آرزیه و گل و لای دست و پا میزنند. بچه‌ها میدوند، خشک و گل و آب و لجنش فرقی نمیکنند. پابرهنه هستند و کتیف.

زنی در کنار دیوار نشسته، از کودالی کوچک باسطل آب جمع میکند. میرسیم:

« مادر این آب چیست؟ » جواب میدهد: « باسطل میریم میریزم یک جانی دورتر. حوضچه ماتو کوچه است، ولی آب ظرفشویی بقیه خانه‌ها حوضچه حیاط جمع میشود.»

دستپاش رابه‌کمرش میگذارد، چروکهای پیشانی اش عمیق تر میشود، برمیخیزد و درخانه را باز میکند:

« بفرماید، ببینید، اینجا ظرف میشویم. آنچه‌ام آشیزخانه است. از تک آشیزخه ما، ح. ای است. گوشه آن اجاقی و ظرفهای کج و کوله، پوشیده از مگس، نشانه اینکه آنجا بخت‌ویز میکنند. گوشه حیاط بشکهای از آب قرار دارد.»

زن برپایان حرف می‌زند: « اتاقان کودتی از حیاط است. چند شب پیش که باران می‌آمد، آب راه افتاد تو اتق. بچه‌ها صبه داشت، بغلش کردم تا گرم بماند. آنقدر تو اتق نشستم تا یکی از همسایه‌ها یادش آمد که من اینجا تنها هستم و یکمکم آمد.»

سرکه برگردانی، اهالی همگی جمع شده‌اند. هر یک اسرار دارند که خانه‌ها را با این مستراح‌ها گفتند: « نه، بعضی‌ها دارند.»



گوشه‌ای از دهشت آریانه‌ری

پخانه‌های اطراف آب می‌دهد. زمستان اینجا، با وجود گرم بودن نسبی هوا و کمی میزان بارندگی، معیبت بیشتر میشود. بعلمت نبودن اسفالت و راه‌آب برای خارج شدن آب از حیاط و کوچی و جمع شدن فاضلاب و تراوش رطوبت بدرون خانه‌ها، دیگر کمی مانده تاخانه‌ها در آب غرق شود.

به قماشای این «دهشت آریانه‌ری» ایستاده‌ام که پیرزنی با شکم برآمده و پشتی خمیده جستی میزند و دستم را میگیرد. شیون کسان میگوید: « چرا نمی‌آی خانه من را ببینی. اگر نیایی خودم بغلت می‌کیم میریم نشانت میدهم.» می‌روی و میبینی.

تمام زندگیش یک اتاق خالی است. دیوار کاهکی‌اش از داخل ریخته. روی صندوق آهنی یک لحاف پاره مهاله شده. یک منقل بجا می‌بخاری و چراغ خوراک بزی روچند تکه ظرف. همین.

« اسم قنده دجاله است. باهام رایبین! ددش داره منو میکشه. شکم باد داره. نه جا دارم نه زندگی. اتاق یکبار روسرم خراب شد. روی گل وصل میخوابم. نه فرش دارم نه زیلویی. شوهرم مرد. بچه‌ها هم رافرستادم ده پیش عموشون. ندانسم خرجشون کنم. برای گرم کردن خودم هم دیگران چوب جمع میکنند. خرج یک‌ساله را با چندماه کارتابستان میگردانم. یعنی با هزار تومان.»

دعوی همیشگی، اما بدون دشمنی

« اینکه پیره زندگیش تمام میشه، مارا چه می‌گویی؟ »

اینکه پیره زندگیش تمام میشه، مارا چه می‌گویی؟

کاخ بسید و ملازین کنیم خانم حزب و هموطنان!

رفقای حزبی، هواداران، دوستان حزب و هموطنان!

ما میخواهیم همراه شما و به کمک شما جشن چهلین سالگرد تأسیس حزب توده ایران را در خانه حزب برگزار کنیم. برای خریدن و یا ساختن خانه حزب به کمک مالی شما نیازمندیم. با کمک خود در این جنبش همگامی و خلقی شرکت کنید. کمک مالی خود را به نام رضاشاتوکی، شماره بانکی ۸۶۸، بانک تهران، شعبه ایران شهر شمالی بپردازید.

توجه: (۱) پرداخت پول، با ذکر مشخصات فوق، به تمام شعبه‌های بانک تهران ممکن است. (۲) از کمک کنندگان خواهشمندیم فتوکپی فیش بانکی را به آدرس دبیرخانه کمیته مرکزی: تهران، خیابان ۱۶ آذر، شماره ۸۸ ارسال دارند.

من کتابیون و برادر نما به دختری که پول بلیط دیول نان مدرسه اش را به حساب خانه حزب داده است، درود میفرستیم. ماهم که در ۶۷۸ ریال پس انداز داشتیم، حساب بانکی حزب پرداختیم به این امید که در آینده بتوانیم در خانه حزب راه پدرمان را ادامه دهیم و افتتاح می‌کنیم که توده‌ای هستیم. در ضمن چون همیشه در سخنرانیها، رفیق کیا نوری را از دور دیدم، خیلی دلمان می‌خواهد او را از نزدیک ببینیم و با او دست بدهیم. درود بر حزب توده ایران.

ویژه انسان باشد در جهان شادی ساختن

ماداننجویان دمکرات دانشگاه تربیت معلم صدوقی برای جمع آوری پول خانه حزب در دفتر کارمان گذاشته‌ایم تا هر روز هر شخص مبلغی از خسر جی روزانه اش را در آن بریزد تا بتوانیم به این وسیله سنگی از خانه حزبمان را بنا کنیم و در این راه از حد اکثر امکاناتمان استفاده می‌کنیم.

- درمیان آنچه آواز کج آهنگ، باز ای شمایان اتحاد خلق را آواز کنید.
- | | |
|---------------------------------------|-----------|
| افسانه و کریم | ۵۰۰۰ ریال |
| کلاه به حزب پدرش | ۵۰۰ |
| فرزانه | ۲۰۰۰ |
| فرانک ظریفی (جمع آوری کمک از دوستانش) | ۱۲۰۶۵ |
| عزیزی کارگرافانی | ۳۰۰ |
| لادن ولیدا | ۱۰۰۰ |
| شهاب ازکازرون | ۲۰۰۰ |
| زهرا و نادر از شیراز | ۵۰۰۰ |

پذیرائی از رانندگان جاده با مواد مخدر

رستورانها و کافه‌های بین راه تهران - تبریز برای جلب رانندگان اتوبوس، با مواد مخدر از آنها پذیرائی می‌کنند. در راه تهران - تبریز همواره تعداد زیادی تصادف دردناک را میتوان مشاهده کرد که از علت‌های گوناگونی ناشی میشود. یکی از رانندگان اتوبوس، که در این مسیر کار می‌کند، طی نامه‌ای که برای ما فرستاده، یکی از این علت‌ها را رستورانها و کافه‌های بین راه می‌داند. او می‌نویسد:

« این کافه‌ها برای اینکه مشتری زیادتری جذب کنند و رانندگان را مجبور به توقف در رستورانها بکنند، رستورانها و کافه‌ها را تبدیل به نیمه شیره کش‌خانه کرده‌اند و بطور بجا با مواد مخدر از رانندگان در اتاقهای خصوصی پذیرائی می‌کنند. در نتیجه رانندگانی که مسئول جان دهها شاعر هستند، بعد از استعمال مواد مخدر معلوم است که به چه‌عاقبتی دچار خواهند شد.

برگزاری نمایشگاه مبارزات خلقها

علیه امپریالیسم در بروجرد

سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در بروجرد نمایشگاه عکسی از مبارزات خلقها علیه امپریالیسم در این شهر ترتیب داد. این نمایشگاه بطور سه‌هفته‌ای در روز در نقاط مختلف شهر در معرض تماشای اهالی قرار داد. بر اساس اطلاع رسیده، مردم بروجرد و بخصوص زحمکشان این شهر، از نمایشگاه سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران در بروجرد استقبال کرده‌اند.



اینجا که شبیه بزرگی است، یکی از کوچه‌های محله است، مانند همه کوچه‌ها. آب بر که با هم به داخل خانه‌ها نفوذ می‌کند.

مراسم بزرگداشت نخستین سالگرد انقلاب و چه



عصر روز یکشنبه ۱۴ بهمن ماه، مراسم بزرگداشت
چهلمین سالگرد شهادت دکتر تقی ارانی و نخستین سالگرد
پیروزی انقلاب با حضور دبیران و اعضای هیئت سیاسی
کمیته مرکزی حزب توده ایران در سالن ورزش دانشگاه
صنعتی برگزار شد.

هزاران نفر از اعضاء، هواداران و دوستان حزب توده
ایران، در کنار عده کثیری از سایر میهن دوستان و مبارزان
راه استقلال و آزادی ایران، پیوند پرمعنا و غرور آفرین
نخستین سالگرد انقلاب و چهلمین سالگرد شهادت ارانی
را گرمی داشتند.

سالن پوشیده از تصاویر رهبر زحمتکشان تقی ارانی است.
پلاکارهای گوناگونی دیوارها را پوشانیده اند:
زله باد حزب توده ایران، حزب طراوتین طبقه کارگر ایران!
بهره‌ری امام خمینی و در خط ضدامپریالیستی و خلقی او، برای
پیروزی کامل انقلاب بزرگ مردم ایران به پیش!
خاطره تابناک دکتر تقی ارانی، انقلابی بزرگ، جاودان باد!
توده‌ای - مدافع واقعی استقلال و آزادی!
گرامی باد یاد اندیشمند انقلابی دکتر تقی ارانی!
لیدر ضدامپریالیسم جهانخواه، جبهه اصلی!
جبهه متحد خلق برای پاسداری از انقلاب!
با ورود دبیران و کمیته مرکزی حزب توده ایران رفیق
نورالدین گیانوری و رفقای عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی حزب
توده ایران، رفقا احسان طبری، محمدعلی عبویی، رضا شلتوکی،
ابو تراب بالوزاده، تقی گمشدنی و منوچهر بهزادی، جمعیت مشتاق
بیامیزید و یکبارچه شور و اشتیاق شعار می‌دهد:

دردود بر کمیته مرکزی حزب ما!
سالن در لوله و خروش توده‌ای‌ها می‌رزد و موج این شمارها
شمار دیگری همراه می‌شود:
حزب توده، حزب دوراساز ما!
مشت‌های گم‌گرفته، اراده آهنین را می‌نمایاند، هیچکس در
تن خود نمی‌کنجد، شمارها از پس هم زمین رابلرزده درآورده‌اند:
یاشاسین حزب توده!
دردود بر ارانی رهبر زحمتکشان!
ارانی رهاست ادامه دارد!

بخش سرودهای انقلابی موج احساسات را به ناهنگام قلب
توده‌ای‌ها می‌راند. سرودهایی که بگونه‌ای کارنامه یکساله هنر
مردمی انقلاب ایرانند:
به روزگار قیامت پیا شود...

کنند رنجبران چون قیام آزادی...
نوبت به گروه کر جوانان و دانشجویان دموکرات ایران
می‌رسد که برنامه را با سرود چهارم حزب توده ایران آغاز کنند.
جمعیت بار دیگر بیامیزد و باطنین یک دنیا امید سرود
را همراهی می‌کند:
پریشان هر شد اگر خواهی آزادی...
سرود به پایان می‌رسد و پس آمد آواز احساسات بر دروغ و
پایان نابذیر در یک شمار بهمان می‌ریزد:
دردود بر کمیته مرکزی حزب ما!
باید روز فراوان به خاطره تابناک هم شهیدان راه آزادی و
استقلال میهن، مراسم بزرگداشت چهلمین سالگرد شهادت
انقلابی بزرگ، دکتر تقی ارانی، مدافع زحمتکشان و نیز گرامی‌داشت
نخستین سالگرد انقلاب شکوهمند ایران برنامه آغاز می‌شود.
پس از قرائت شعری که رفیق احسان طبری بابت ارانی سروده
است، سخنرانی رفیق طبری، عضو هیئت سیاسی کمیته مرکزی
حزب توده ایران اعلام می‌شود.

یکدلیا عشق در تن حاضرین که با خاسته‌اند، شکوفه میکند
و نام طبری با شعار دردود بر کمیته مرکزی حزب ما، پیوند می‌خورد.
احسان طبری، این اندیشمند مکتب ارانی، که تجسم دیگری
است از سیلان اندیشه‌های خلاق ارانی، بطرف جایگاه می‌رود.
هیچ نیروی نمیتواند فوران شورانگیز نواهای آنتین را
فروشانند. گویی میثاقی که توده بارهبری حزب خویش بسته‌اند،
در رنگین‌کمان فریادها بر فراز جمعیت چتر زده است.
رفیق طبری، آرا ماستوار، سخنان خود را بنام آموزگار و رهبر
آغاز می‌کند:

بهره‌کشی، بردگی قومی، جنسی، ستفی، آزادی، جنگ، نفاق
فقیر، بیماری را آدمی که از خرد و وجدان بهره‌مند است، تحمل
نخواهد کرد. این قانون بی‌امان اعتلاء و تکامل جامعه بشری است
که ارانی بدان باوری روشن و بی‌تزلزل داشت و مبدانست که
ارزشمندی زندگی فردی انسانی، که در مقابل ابدیت چنین کوتاه
است، تلاش در این سمت درست تاریخی و انسانی است.

سیر حوادث، پس از شهادت ارانی، به شکل حیرت‌انگیزی
سخت باورهای او را اثبات کرد. چه تحولات شگرفی از آن زمان
تا این زمان در پیخ قاره جهان روی داده است، دنیای کنونی به‌دنیای
زمان ارانی شباهت کمی دارد. چرخ تاریخ سخت به‌جلو رانده شده‌است.
ما اکنون چهل سالگی شهادت ارانی را بر پا می‌داریم.
هنوز بسیاری از یادان و هم‌زمان ارانی، که در مکتب او نخستین
القای مبارزه اجتماعی و تفکر علمی را آموختند، زنده‌اند و در
میان ما هستند.

موقتی که او را در عین شکوفائی زندگی و با الهام از ادبایان
انگلیسی، دست‌ورضا پهلوی شام‌مستبد ایران، و رکن‌الدین مختاری
رئیس کل شهر باقی او، بدست یزید احمدی درخیم حرف‌های به‌بهانه
تغیوس (ولی با تافته آگاهانه) در استان زندان موقت تهران
نابود کردند، ارانی تقی سینه‌اش را آموختند، زنده‌اند و در
جستش می‌تواند. سالها در میان مردم باشد، زیر آفتاب و در
سختی بود، ولی عمل انقلابی و تاریخی او موجب شده که اگر
بسیش بدست درخشانش فاشند، نامش و اندیشه‌اش، به‌پایه جاودانگی
رسند.

ارانی با اجراء یک دفاع عالی و دلوارانه در دادگاه جنائی،
با چشمان باز و در اوج شهادت تاریخی، در راه خلق و
حقیقت رفت. او در دفاع خود از دست
دانو پرو و

متن سخنان رفیق احسان طبری
عضو هیئت سیاسی
کمیته مرکزی حزب توده ایران
در مراسم یادبود ارانی



آموزگار ور رهبر

دوستان عزیز!

ما جشنهای شکوهمند نخستین سالگرد انقلاب
رهائی بخشی و خلقی ایران را، یادآوری از چهلمین سالگرد شهادت
شهادت دکتر تقی ارانی، رهبر و آموزگار زحمتکشان ایران،
آغاز می‌کنیم، بویژه که این روزها، رهبری حزب ما، روز
شهیدان حزب و جنبش انقلاب داشته و پیوند این روزها با
ایام پیروزی انقلاب (که هدف و امر قلبی این شهیدان
بود) خود، رمزی است خجسته...

این پیوند، بشر آست که این پیروزی در سطح
کشور ما، و در سطح جهان، بیش از پیش به‌ثمر می‌نشیند و
زندگی انسانی بتدریج از صورت تبوتاب تب‌آلود دیرینه
خود، بیرون می‌آید تا سرپا به شادی آفرینی، به توان
تن و جان به امنیت و پیشرفت و احساس سعادت واقعی،
میلل گردد.

همه میدانیم که تحقق چنین هدفهای والاتی اگر از
طرفی یک امر محتوم تاریخی است، ولی از طرف دیگر یک
هدف زودرس و آسان نیست و از پیشری که خواستار آست
مبارزه خردمندان و ویران‌کننده می‌طلبید.

این هدف مقدس در تاریخ خون‌آلود انسانی راهگشایان
و پندگسلان و جان‌سپاران بزرگ و خردمندی داشته، که
دکتر تقی ارانی، شهروند و هم‌میهن بزرگ ما، بدون
تردید از زمره آنان و از زمره یکی از برجستگان آنانست.

پس از ۱۴ بهمن ۱۳۲۷ که نه سالگی شهادت دکتر تقی
ارانی را اعضاء حزب توده ایران در شرایط عینی، بر سر مزارش
در امامزاده عبدالله بزیا داشتند - نخستین برگزاری آزادانه این
مراسم، اسامال، به برکت انقلاب پیروز شد ضدامپریالیستی، شد -
استبدادی و خلقی ایران، انجام می‌گیرد.

یعنی، ۳۰ سال دیگری، پس از ۲۷ دشمنان راه و اندیشه
ارانی، از تاریخ فرست یافتند تا نامش را بر مزارش را بدست فراموشی
بسیزند، ولی چنانکه می‌بینید، سرانجام نتوانستند و نخواهند توانست.
حرکت تاریخ در راستای آنها نیست. حرکت تاریخ در راستای
ارانی است.

ارانی در بهدادگاه رضاشاه این روزها و روزهای روشن‌تر
و بهتر از این را به‌عیان میدید،

سرنگونی سلطه تپاه دوست نشاند پهلوی را می‌سپرد.
میدید که فاشیم آدلف هیتل در آلمان، بنیتو موسولینی در ایتالیا
هریویتو در ژاپن، فرانسیکو فرانکو در اسپانیا، سالازار در
پرتغال، مانرهایم در فنلاند، پولسودسکی در لهستان، چان‌کای‌شک
در چین، ریندز سیمیکلی در رومانی - که در آن ایام، در جهان
چه نمره‌های گزافه آمیز که نمی‌کنیدند، سرانجامی جز شکست،
ندارند، اگرچه سیلابی از زهر و دریایی از خون جاری سازند.
میدانست که بهره‌کشی سرمایه‌داری هم روزه زوال ناگزیر است،
اگرچه از آخرین تکنولوژی، حییم‌ترین دخاير شمش‌ملا و نقره،
ظریف‌ترین حیل‌گریها و دیپلماسی و جاسوسی، کیچ‌کننده ترین
سفسطه‌ها و عوام‌فریبی‌های تبلیغاتی و اندیشه‌سازی، مانند امپریالیسم
امروزی و بویژه امپریالیسم امریکا، مدد بگیرد. او به نظر منسوسی
زحمتکشان، پیروزی نهائی حقیقت علمی و عدالت اجتماعی این
دو ارزش بزرگ، الحیقان داشت، اگرچه در راه آن شکست‌ها،
مانع‌ها، کم‌رانی‌ها، بن‌بست‌ها و تفرقه‌ها پدید شود. او میدانست
که انسان خفته و غفلت زده دیروزی، در عصر طوفانی ما در پنج
قاره زمین از خواب غفلت دیرینه خود بیدار خواهد شد، انسان
بیدار شد، بناچار از بندهای آسارت رهائی خواهد طلبید و بشریت
رها شده بسوی سعادت مادی و معنوی خواهد شتافت. جلوی این
سبل بنیان‌کن رها بخش و خاشاک دروغ تا ابد نمی‌توان گرفت.



شمی بزبان آذربایجانی که
توسط رفیق هاشم ترلان در
مراسم یادبود ارانی قرائت
شد.

بویوک تولمز ارانیه

اوایان ارانی، اوایان
گلمیشم حضورنا
دایانیشام تونونده
خلقین توی بایرامیندا
خلقین عزیزگونونده
مژده و گرم من سنه

گلمیشم حضورنا
دایانیشام تونونده
مکتیبندن درس آن
دونن جانیندن دوایان
توفانلارین عکسینه
خلق ایله آددیمالایان
انسانلارین مقدس
ظفریندن دانیشام

ای ارانی
گلمیشم حضورنا
مژده و گرم رهبره
بختیب شاهلار دنیاسین
دوتوب امپریالیزمین
زر دگمه لی یاخاسین
بیروملتین صاحبکی
سحریندن دانیشام

اوایان ارانی اوایان
یزه باش آگیر زمان
اوسوس اولسون رهبریم
ینرین بوشدور بو آندا
شاهسین کنجچیر بو خلقین
عمرو گونواراندا.

اوایان ارانی اوایان
بوایانلب مز آریندان
گور ننجه آددیمالایر
حزبی توده ایران

ای ارانی
آرزولارین گول آچدی
سن شوو دین بو خلقین
مبارزه یولاری
ایشیقاندی دیل آچدی

اوایان ارانی اوایان
بوایانلب مز آریندان
باخ، دو مانسینز گویله
گلمیشم حضورنا
مژده و گرم رهبره
نه تاج و تختدن
نه سلطنتدن نشان
دوستلار داییم هجومدا.

ترلان

ما جشن‌های شکوهمند نخستین سالگرد انقلاب رهائی بخشی و
خلقی ایران را با یادآوری از چهلمین سالگرد شهادت دکتر
تقی ارانی، رهبر و آموزگار زحمتکشان ایران، آغاز می‌کنیم،
بویژه که این روزها، رهبری حزب ما، روز شهیدان حزب و جنبش
انقلاب داشته و پیوند این روزها با ایام پیروزی انقلاب (که هدف و امر
قلبی این شهیدان بود) خود، رمزی است خجسته...

رفیق طبری در ادامه سخنان خود، با اشاره به سرکوب جانین
و ایلتار غارتگران گفت:

حرکت تاریخ در راستای آنها نیست.
حرکت تاریخ در راستای ارانی است.
رفیق طبری با یادآوری از شهیدان روزگار آزادی می‌گوید،
پلور اشک در گوشه و کنار بر چشمان «یاران» دیرین ستاره می‌شاند.
هرچاکه سخن از ارانی، حزب و خمینی می‌رود، کتش احترام
و انتظار دست‌ها را بر هم می‌کوبد و انفجار شوق جمع‌الزجا می‌کند.
پایان سخن طبری با فریادهای:

دردود بر کمیته مرکزی حزب ما،
کلباران می‌شود.

در دست دیگر برنامه رفیق سپیده سامالی شعر می‌خواند:
ظفر را سرافرازگر باد پرچم
به لایبوی دشمن آهنین خو
بمالد آوازه‌اش جاودانی

رفیق هاشم ترلان نیز قطعه شعری بزبان آذربایجانی سروده
است: بویوک، تولمز ارانیه
اوایان ارانی، اوایان،
گلمیشم حضورنا.

دیگر فداکاران بزرگ راه علم نام برد. او میدانست چه می‌کند و چرا
چنین میکند. او میدانست که تکامل تاریخ به ایستاد انسانی نیاز دارد
و بهترین فرزندان انسان نامزد این ایستادند.
من هم در آن ایام از هم‌زمان کوچک ارانی بودم و خاطره
او در خاطر از زندان و در زندان در ذهنم زنده است. مگر ممکن
است او را فراموش کرد؟

قامت متوسط داشت، چارشانه و باوقار بود. این او را خراص
شده بود، یعنی موهای وسط سرش ریخته بود. چشمانی خوش‌برش،
ولی نزدیک بین داشت. عینکی باهدسی قوی می‌زد. بسیار شوخ و
شاداب بود. برای خود ادب و مقام خاصی قائل نمیشد، ابتدا زستی
نمی‌گرفت، با وجود شغل منمسی، حتی از روشی که خاص برخی مملمان
است، بری بود. با درقایش نشت و بر خاستی سخت بی‌تکلف داشت.
این او را خردمندان (بویژه پس از آنکه روشن شد نقش در بازجویی
انزبخت دفاع از هم‌زمانش تاچا، نندانه بی‌باکانه و معیت بود) حیثیت
و اعتبار شخصی‌اش پس در نزد همه زندانیان سیاسی بالا رفته بود.

بدون کمترین اغراق در توصیف باید گفت که زندانیان سیاسی و غیر
سیاسی، حتی زندانیان، که موجوداتی عامی، چاکر سفته و خشن
بودند، باو احترام عینی داشتند. ولی او این احترامات را بخود
نمی‌گرفت و رواند همیشه خاکسار و ساده و صدیق و بی‌تکلف و انسانی
بود. غذائی را که مادرش، شادروان قاطمه ارانی یا خواهرانش با نواز
کوکب، شوکت وائران ارانی، بسرایش می‌آوردند، با زندانیان
سیاسی مستندی که باصطلاح مرسوم در زندان «ملاقاتی» نداشند
در میان میگذاشت، نشت و بر خاستش بیشتر با آنها بود. می‌دیدیم که
از اداها و اطواری‌اش رانی و بودر با ما تفرقت داشت و حاضر نبود
با کسانی که خود را نوعی قشر ممتاز تلقی میکردند، معاشرت کند.

دانش گسترده‌ای داشت. در فیزیک، شیمی، بیوشیمی (که تا آن
بصورت علم تنظیم میشد) ریاضیات، روانشناسی، فلسفه، ادبیات
فارسی تألیفات متعددی دارد. به زبانهای آلمانی و فرانسه و ترکی
عربی و اردو بود. زبان فارسی را از حدادی بالاتر و ژرف‌تر میدانست
داری قدرت تفکر و گوارش منطقی قابل توجهی بود. شیرین‌سخن،

خاطره تابناک دکتر تقی ارانی

بین سالگذشت شهادت دکتر ققی ارانی برگزار شد

متن خلاصه شده نطق رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران در مراسم یادبود ارانی



امروز مسئله اتحاد نیروها، مسئله اساسی انقلاب ماست

رفقا! امروز ما برای بزرگداشت چهلمین سالگرد شهادت رفیق ارانی، کمیته مرکزی حزب توده ایران، در این محفل یادبود، سخنرانی می‌کند. سخنرانی که در این محفل، با حضور جمعی از نمایندگان و اعضای حزب توده ایران، و همچنین جمعی از نمایندگان و اعضای سایر احزاب و نهادهای مردمی، برگزار شد. در این مراسم، دکتر ققی ارانی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، نطق خلاصه شده نطق خود را قرائت کرد. در این نطق، دکتر ارانی به اهمیت مسئله اتحاد نیروها، به اهمیت مسئله اساسی انقلاب ماست، و به اهمیت مسئله ملیت و استقلال ما، پرداخته است.

دکتر ارانی در نطق خود، به اهمیت مسئله اتحاد نیروها، به اهمیت مسئله اساسی انقلاب ماست، و به اهمیت مسئله ملیت و استقلال ما، پرداخته است. او بیان کرد که ما باید برای تحقق اهداف خود، با تمام نیروها متحد شویم و با هم متحد شویم. او بیان کرد که ما باید برای تحقق اهداف خود، با تمام نیروها متحد شویم و با هم متحد شویم.

در حاشیه مراسم ۱۴ بهمن

- پیامهای زیادی به مناسبت برگزاری این مراسم ارسال شده بود که به علت تراکم سخنرانها و کمی وقت قرائت نشد
- بعضی از این پیامها به قرار زیر است:
- گروهی از فعالین انقلاب، هوادار حزب توده ایران
- گروهی از کارگران کرد مقیم مرکز
- هواداران حزب توده ایران در قزوین
- حزب توده ایران - سازمان ترکمن صحرا
- هواداران حزب توده ایران در بندر انزلی
- هواداران حزب توده ایران در روابط کریم شهریار
- هواداران حزب توده ایران در گرگان
- هواداران حزب توده ایران در کردکوی
- هواداران حزب توده ایران در آبدان
- هواداران حزب توده ایران در مازندران
- هواداران حزب توده ایران در مازندران
- انجمن آذربایجان
- هواداران حزب توده ایران در دیستانهای دارالفنون، بزرگ تهران، ایومسلم، گروه فرهنگی آزادگان، رهنما، شرف، آذر
- دانشجویان هوادار حزب توده ایران در تکنیکوم تهران
- هواداران حزب توده ایران در بیمارستان شهدا - تجریش
- پرستاران بیمارستانهای تهران، هوادار حزب توده ایران



دکتر سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران

زنده باد چپبه متحد خلق ما!
وقتی اجرا کننده برنامه اعلام می‌کنند که رفیق نورالدین کیانوری، دبیر اول کمیته مرکزی... سخنش در غیو جمعیت کم می‌شود. گویی زلزله فرامی‌رسد. اقامت استوار پیوندهای راسخ می‌شود. دستها همچون پاروهای که قایق نجات ایران را به ساحل استقلال و آزادی رهنمون می‌شوند، در تلاطم دریا...

درود بر کمیته مرکزی حزب ما!
جمعیت نمی‌تواند آرام نمی‌تواند، این لحظه عصاره یک عمر اشتیاق است. سرود و سرور قلبها در آغوش یکدیگر فرو می‌برد. و این مبارز خستگی ناپذیر، پاسداری گرم و محکم، آغاز سخن می‌کند. جمعیت دودرهای آراش به تمیید می‌نشیند. رفیق کیانوری از مسیر انقلاب ایران و صف آرای نیروها در مراحل مختلف انقلاب تاکنون تحلیل جامعی بعمل آورد. وی از جمله چنین گفت:

ما امروز به سازمانهایی که دارای تمایلات خلقی و توده‌ای هستند، نیاز می‌فرستیم و از آنها می‌خواهیم که در این لحظه حساس تاریخ ما، در این لحظه حساس سربلندی انقلاب ما، در لحظه‌ای که می‌بایست مسئله «کبریا» به سود مردم ایران پایان پذیرد، به نفع خود، به موضع خود و به وظیفه‌ای که به آنها محول گردیده است، توجه کنند. امروز مسئله اتحاد نیروها، مسئله اساسی انقلاب ماست. اگر ما از اتزای این نقش حساس سربلندی و از این خواست انقلاب سربلندی کنیم، به مبارزه انقلابی صدمه زده‌ایم.

پس از سخناری رفیق نورالدین کیانوری، خروش تاید و کلبانک آفرین توده‌ای‌ها با سرود «بزم ما» بهم می‌آمیزد.

من بسوی آنچه بوده، پاک بوده، می‌روم
می‌روم به خانه
فانخانه شادمان
می‌روم به بستر ای رفیق
می‌روم به خواب و شب خوش
من به وعده‌گاه دیدگان ناهنوده می‌روم
هر کسی به راه خویش می‌رود.
من به راه توده می‌روم.

برنامه بزرگداشت نخصتین سالگرد انقلاب ایران و چهلمین سالگذشت شهادت دکتر ققی ارانی با سرود حزب توده ایران به پایان می‌رسد و حاضرین با شعار «مردمان آمریکا، دشمن اصلی ما به خیابانهای دانشگاه راه می‌کشایند».

خانم کوکب ارانی، خواهر شهید دکتر ارانی، در میان شور و نشاط با صدایی لرزان از شوق و نوید دیدار سخن می‌گوید: دوقدرت نیرومند، یکی از طرف روحانیت رهبری یک انسان بی حضرت امام خمینی، که باید او را تاجی و تاجگاه بی‌پناهان یزد، دیگری مشت گره خورده و بهم فشرده ملت غیور ایران، برای سرنگون ساختن کاخهای فرعون صفتان آمده شده بود، دوقدرت زنجیروار بهم پیوست تافرشه نیت پدید آمد: آزادی... یفرموده امام گوش کنیم. وحدت را از دست ندهیم. یا بی عیق و دشمنان تیزبین به معنی وحدت بی‌پریم، که شکست من در همین کلمه نهفته است.

خانم کوکب ارانی در پایان سخن خویش گفت: در ایام پر اندام دکتر ققی ارانی سخن نمی‌گویم، زیرا زبان و روح وجود کمتر از آن است که بتوانم آنچه بیاتر احساس پاک هر نسبت به چنین برادری، که قلبش برای مردم می‌طپید و کتوف گل‌یاد او در میان شمایست، بازگو کنم.

دادامه برنامه، پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران قرائت می‌شود:

در آستانه سالگرد انقلاب بزرگ ما، سازمان جوانان و جوانان دمکرات ایران بخود می‌بازد که می‌تواند به رهبری ما توده ایران، به شایه پویندگان خردمند راه ارانی تیریک یزد، که هر چند ارانی بزرگ در میان مایست، اما شما رفقا سید آن پرچمی را که او به دست شما داد، همواره در جامه ما هتزاز نگه دارید.

سیاوش کسری، شاعر توده‌ها، چند شعر قرائت می‌کند. قرائت شعری که در مورد بیماری اما مخمیتی سروده شده است، ر یکصد فریاد می‌کنند:

سالگرد شهادت دکتر ارانی در رشت

به مناسبت چهلین سالگرد شهادت دکتر ققی ارانی، روز جمعه مراسم در سالن آمفی‌تئاتر دبیرستان آزادگان رشت برگزار شد.

در این مراسم که با شرکت رفیق اکبر شاندرومینی عضو گروه ۵۳ و عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران، سیاوش کسری شاعر خلقی و اعضاء هواداران حزب توده ایران در گیلان برگزار شد، ابتدا رفیق شاندرومینی ضمن سخنانی اظهار داشت:

«اولین گام انقلابی ارانی، سازمان دادن مجله دنیا بود که در بهمن سال ۱۳۱۲ انجام گرفت. این مجله برای روشن کردن افکار جوانان روشنفکر، برای ایستادگی در دست سیاسی و آشناسان با جهان است. یعنی علمی قش بسیار بزرگی داشت. دومین گام انقلابی ارانی عبارت بود از تشکیل مستمر مرکزی برای گردآوری و واپاره سازمان دادن حزب کمونیست ایران. ولی متأسفانه این تلاش او و یارانش دیری نپایید و در اردیبهشت سال ۱۳۱۶ دکتر ارانی و یارانش به زندان افتادند.

این عده به دعا معروف به گروه ۵۳ نفر شدند.

پس از پایان سخنان رفیق شاندرومینی، که در میان ابراز احساسات و فیر یادهای «درود بر کمیته مرکزی حزب ماست» «اکبر شاندرومینی» «همزاد ارانی» درود خلقی ایران بر توده ایراد شد، سیاوش کسری شاعر تیرین قرائت کرد. در این مراسم، دکتر ققی ارانی، دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران، نطق خلاصه شده نطق خود را قرائت کرد.

آنگاه پیام کارگران گیلان و ایسته به حزب توده ایران توسط رفیق کارگی و سپس پیام دهقانان و ایسته به حزب توده ایران توسط یک دهقان سالخورده خوانده شد. در پایان مراسم بزرگداشت چهلین سالگرد شهادت دکتر ققی ارانی، پیامهای سازمانهای ولایتی شهرستانهای گیلان، جوانان و ودانشجویان و دانش آموزان و تشکیلات دمکراتیک زنان قرائت شد.

از انتشارات حزب توده ایران

منتشر شد

بمناسبت روز ۱۴ بهمن مجموعه «دنیا» در ۱۲ شماره چاپ سالهای ۱۳۱۲-۱۳۱۳

به رهبری و مدیریت دکتر ققی ارانی

شرایط امروز ما هر مرتب مساعدتر است. وقتی ما به این واقعت توجه کنیم، به عظمت آن کاری که ارانی و یارانش شروع کردند، می‌بینیم. وقتی آنها کار را شروع کردند که قاضی‌آلمان پاشیبتی تمام امریالیسم جهانی برای نابودی سوسیالیسم در جهان تدارک می‌دید. آنها آنوقت هر چه سوسیالیسم علمی در در مهن ما برافراشتند، معاضمت کاری را که آنها کردند، فقط در این تناسب می‌توانیم ببینیم.

امروز دنیای ما دنیای پیشرفت و موفقیت هر روز است. جنبش‌های آزادی‌بخش ملی در دوران گذار سرمایه‌داری به سوسیالیسم است. اگر فقط توجه کنیم که از سال ۵۰ تا به امروز، که بزودی سال ۵۹ شروع می‌شود، یعنی در این ۹ سال اخیر، چه تحول عظیمی در دنیا رخ داده، چه کشورهای آزاد شده‌اند، چه تغییراتی در جهت پیروزی خلقها بوجود آمده، چه بهای بهای سوسیالیسم خود را داده است. آنوقت می‌توانیم با خوش بینی بزرگی به آینده نگاه کنیم و انتظار داشته باشیم که دهه ۶۰، دهه شتابان آزادی خلقها، دهه موفقیت‌های بازم بزرگتر برای خلقهای جهان و خلقهای کشور ما خواهد بود. در این سیه‌های پیروزی‌های ۹ سال اخیر، تقریباً ده کشور نظام استعماری و امریالیستی را سرنگون کردند و راه سوسیالیسم را در پیش گرفتند. ویتنام، قمرمان، کامبوج، لائوس - در جنوب شرقی آسیا - آنکولا، موزامبیک، گینه بیسائو، جزایر کیپورد، اتیوپی، بنن - در آفریقا - و افغانستان در آسیا.

در خیلی از کشورهای دیگر نیز تغییرات عمیق اجتماعی به ضرر امریالیسم به وقوع پیوست. از آن جمله داروین - برتقال، اسپانیا و یونان - که قاضی‌آلمان سوسیالیسم شده و خلقها پیروزیهای چشمگیری به دست آورده‌اند. و از همه جوانتر انقلاب پیروزمند مهن ما، که بدون تردید یکی از بزرگترین رویدادهای تاریخی بشر پس از انقلاب اکتبر در جهان بشمار می‌آید.

مردم کشور ما برای رسیدن به این پیروزی راه پس دود و دخی را طی کرده‌اند. هستند کسانی که شاهد این جهل سال اخیر، که حزب توده ایران در آن زندگی می‌بازد کرده، بوده‌اند جوانانی که دوران اخیر را طی کردند و تمام عقاید فساد امریالیستی را به دست آوردند. محمدرضای پهلوی را با گوشه و پیوست خودشان احساس کردند. ملت قهرمان ما در این راه، برای رسیدن به این پیروزی، دهها بقیه در صحنه

دور نور ثابت عدالت واقعی را فرآ گرفته است. آیا ممکن است قوانینی که بدست اقلیت وضع شده، شفاف و حاکم عدالت باشد؟ چه چیز ضمانت می‌کند که اقلیت واضح قانون، علیه طبع و مشی و منافع خود، بلکه منافع توده‌ها باشد؟ تاریخ پر از این قوانین تیره و تار است؛ قوه قضایی و مدرسه‌های آن (یعنی قوانین)، تابع طبقه حاکمه و تکامل ادوار تاریخی است.

ارانی پس از این توضیح علمی و طبقاتی از نقش قوانین در محاکمه جنایی، رضاشاه، که در تالار عام فصلیام در قصر کهنه سلطنتی قاجار تشکیل بود، در همان حلقه سر نیزه‌ها و جاسوسان، با آوایی بم و گیکرا و خونریزی چنین ادامه داد:

چه صحنه‌های جنایت و قوانین جابراه که بنام عدالت در تاریخ بشر ظاهر و متوسخ گردید! در یونان قدیم، بنام همین قوانین تیره و مفتضح، جام شوکران به دست سراقا، به عنوان مخالفت پس ارباب انواع شهر، که آنروز مقبض بود، داده شد. در روز جمیع کتیری در صحنه‌ها، طمه و وحوش گریسته شد. در قرون وسطی، بنام خدا و مسیح از طرف اداره «انکیزیسون» زنها بریده شده، توده‌ها از افراد بشر، زندان زنده با تن انداخته شدند؛ در قرون وسطی، محاکمه بین ارباب و رعیت، چنگک تن بتن بود که در آن خان سواره و پاسا و رعیت پیاده و بدون سلاح در مقابل هم قرار می‌گرفتند؛ پس از آنکه آن صحنه فحیح، نفس آن رعیت به عنوان «محکوم» از جلسه محاکمه بیرون کشیده میشد؛ در دوره «تجدد» (رنسانس)، پیشوایان سعادت بشر، مانند «جورژ سانورنو» و «فیر» بسوختن در آتش و زهان بریدگی محکوم شدند. گالیله، اگر زانوس بزمن نمی‌زد، و با انگشت یا دنیای را برایش سپاس نمی‌خداوند، نیز در آتش می‌سوخت.

پس از ذکر این نمونه‌های تاریخی از قانون و عدالت طبقاتی، دکتر ارانی چنین نتیجه گرفت:

«آیا قوانین جبار امروزه و شهره‌هایی طبقات معاصر، با آن قوانین و تمصبات ادوار قبل تفاوتی دارند؟ نه! دنیا با آخر بقیه در صحنه

آنک و مهر بان بود و می‌توانست قانع کند، نفوذ کند، «دگرگون» زبر اسدق و با وجود مؤمن بود. و اینها خود شرط موی بودن در کنار علمش، مهم‌ترین سفش شجاعتش بود. صفی که آن نمی‌توان انقلابی بود. خود نفس انتشار دوازده شماره دنیا (که شماره اخیرش در یک جلد است) طس سالهای ۱۳۱۳ و ۱۳۱۴ شمسی، در فضای مختنق رژیم استبدادی ما، بایک سلسله مقالات انقلابی، علمی و ضدفاشیستی، مظهر و است از شجاعت، شاکتاری است فراموش نشدنی. ارانی انکسکی خشم انگیز مجله نو آورد خود را در مقاله شماره ششم توصیف کرده است. ما این ۱۲ جلد را تجدید چاپ کرده‌ایم. نائب بر آن یک مقدمه توضیحی افزودم که مجله را معرفی کرد و بزودی در دسترس عموم قرار می‌گیرد و همگان می‌توانند به کنند که در سخن ما (در توصیف این مجله و اقامت انقلابی و تاریخی) غلوی و اغراقی نیست.

اعصاب آهمن لازم بود که در موج‌های خصمانه علیه «دنیا» جله بی‌حمت برای آن ایام و آن عصر در ایران، نشر یابد. می‌سایند.

نقش در دادگاه پنجاه و سه نفرین نمودار و مظهر دیگری ز اینار و شجاعت او. این نطق بارها چاپ شده است. بحق، آنرا در ردیف عالی‌ترین و دلیرانه‌ترین دفاعیات تاریخ است. این نیز سند دیگری است از صفت محکم انسانی و سطح اتش و تفکرش.

بندها و سخنرانیهای انقلابی دیگران در پیدادگاه‌های د پهلوی، که همگی درخور تحسینند، از این نمونه عالی فتانند.

ارانی در پیدادگاه رضاخانی در معاصر گروهی نظامیان و جاسوسان «تامینات» جملاتی گفت که باید با خاطر سپرد. گفت:

این مانند حباب‌های رنگارنگ، گاه تیره و گاه شفاف،

نقلابی بزرگ، جاودان باد!

چرا جریک‌های فدائی سخنان خلاف واقع میگویند؟

نشریه «کار»، ارگان سازمان جریک‌های فدائی خلق ایران، در شماره ۴۲ خود، در کنار دشنامگویی به حزب توده ایران، مطالب خلاف واقعی درباره گروهی از هواداران سابق این سازمان در بابل، که اخیراً به حزب توده ایران پیوسته‌اند، نگاشته و در پاسخ این مقاله «کار»، رفقای جدید ما (هواداران سابق سازمان جریک‌های فدائی خلق در بابل) مطلبی نوشته‌اند که در زیر به اطلاع خوانندگان گرامی «مردم» می‌رسد.

«گفته شده که» ... ما از این منظره احساس تهنوع می‌کردیم، اما وقتی خودمان را از دست رسوبات تبلیغاتی که ذهن جامعه روشنفکری را پر کرده بود، رهانیدیم... از قضاوت شتابزده خود سر نیز بر انداختیم. (رفیق شهید هوشنگ تیزابی)

ما (گروهی از هواداران سابق سازمان جریک‌های فدائی خلق ایران) در نامه‌ای که برای رفقای کمیته مرکزی حزب توده ایران فرستادیم، اعلام کردیم که پس از سالها صدمت لاجوجانه با حزب طرازسین طبقه کارگر ایران، سرانجام به راه پرافتخار حزب روزبه‌قدم نهادیم. ماشایسته دیدیم که در آن نامه کوتاه همه احساس خالصانه خود را برای رفقا بیان کنیم. در عین حال این نامه، گذری گذرا بود بر سرگذشت سیاسی و سیرو پویای و وخم تفکرمان. ما با هم با صدای بلند اعلام می‌کنیم که: «با افتخار به حزب توده ایران پیوسته‌ایم». عاشقان حقیقت را از زهر نیشخند گمراهان چه باند...

ندی پیش دوستان فدائی ما، در شماره ۴۲ نشریه «کار» بقول خودشان لازم دیدند تا برای مردم توضیح دهند که «چه کسانی به حزب توده پیوسته‌اند»

نویسنده مقاله کوشیده است تا یزده بیستی از «بی‌اهمیتی» بر مسئله بگذرد. این شیوه برخورد البته برای ما غیرمنتظره نبود. چند سال پیش، زمانی که در میان فدائیان، سیر بی-اعتباری نظرات «مسعود احمدزاده» آغاز شده بود، همین فدائیان، طراحان نظرات جسیدرا با انواع اتهامات خوار نمودند. بر خودشان را با «بیژن جزئی» در زندان خیلی‌ها یاددارند. شتابزده کوشیدند تا بر سر نظرات رفیق شهید «حیدری بیکوند» خاگ حقاقت بیاورند و در این راه به سراسر محمول شدند.

در سال ۵۵، زمانی که عده‌ای از رفقای ما شجاعانه از فدائیان انشباع کردند و به حزب پیوسته، آنها کوشیدند این را یک «اتفاق ساده» نشان دهند.

در سال ۵۷، زمانی که عده‌ای از فدائیان در زندان، بر خط مشی جریکی جدا از توده خط بلطانی کشیدند، آنها کوشیدند با انواع اتهامات در زمینه اخلاقی، سیاسی و... جریان را لوخت کنند و چون بک سر برف نهند، اتحاد سرعت بر آنها دوب شدند...

هونزه می‌کشند و رشدها ایشاهی تو را در درون سازمان در میان هواداران خود زیاد بدل نگینند، و این روند طولانی و البته ناتمام را انکار کنند.

میکوشند و نمود کنند که این عده پیوسته به حزب، و انگلیشان در زندان توده‌ای شده‌اند و یکی دو نفر بقیه هم بعد از آزادی از زندان به آنسان پیوسته... اصلاً اینها خیال میکنند هوادار ما بودند... «دانش آموز بودند»... فقط چند کتاب داستان خوانده بودند، و خلاصه هیچ بلد نگیرید، اصلاً هیچ اتفاقی نیفتاده است...

چرا نویسنده میکوشد به این مسئله بطور غیرجدی برخورد کند؟ چرا فدائیان وقتی هر روز عده قابل ملاحظه‌ای از خود توده‌ای‌های سابق (هواداران سابق جریک‌ها) را در دفتر حزب توده ایران - سازمان بابل می‌بینند، چشهای خود را می‌بندند و چرا در این انکار لاجوجانه متأسفانه به دروغ هم متوسل میشوند؟

دوستان فدائی ادعا میکنند که «ما» یا «ما» پیوستن عده‌ای از هواداران سابق جریک‌های فدائی به حزب، «جنبال» یا «گره» است. ولی ما فرستادن پیام برای مردم مبارزه با و طرح آن در میان هواداران جریک‌ها فقط میخواستیم نشان دهیم که ادعای فدائیان مبنی بر اینکه «دادای ایدئولوژیک و تشکیلاتی» اند در میان آنها «تجزیه» وجود ندارد. «استحکام» دارند و یک سلسله از این قبیل ادعاها بی‌پایه است. ولی فدائیان برای

«جریک‌های فدائی خلق ایران، همانگونه که مردم مبارز ما میدانند، در سالهای خفقان در هر گوشه‌ای از کشور برای علاقه‌مندان به مطالبه بطور مخفیانه در بسته‌های نایلونی کتاب و جزوه می‌فرستاد و یکی دو مورد نیز برای این محفل فرستاده بود.» (همان مقاله)

به این ترتیب معلوم میشود که سازمان جریک‌ها در سالهای خفقان «برای علاقه‌مندان به مطالبه» «کتاب داستان»، «میرستاد» و برنامه توضیحی خود از آنان میخواست تا این داستانها را نقد کنند.

سوین مطلب خلاف واقع از اینجا آغاز میشود که «در همان ابتدا رهبر این محفل دانش آموزی به خاطر بی‌تجربگی و ترس زیاد، با پلیس همکاری کرد و آزاد شد. بقیه این دانش‌آموزان به خاطر صدافتی که از خود نشان دادند... (همان مقاله)»

ظاهر نوشته نشان میدهد که نویسنده از وضع ما اطلاع دقیق دارد. با اینهمه وی در چند مورد «کوچک»، دچار لغزش شده است.

اول اینکه شخص مذکور دانشجو دانشگاه تبریز بوده است.

دوم اینکه شخص مذکور چندماه پیش از دستگیری، بوسیله ما کاترنگ داشته شده بود. از همه اینها که بگذرد، طرح این سوال بی‌مناسبت نیست که، یک محفل دانش‌آموزی که صرفاً چند «داستان»، خوانده است، دیگر «رهبر» برای چه میخواند؟! این کوشش نویسنده لمیده است؟

«کار» کوشیده است تا ابتدا برای «ما» پست رهبری دست بیاکند و سپس شخص ساواکی را به مقام رهبری گروه ارتقاء دهد. از خود فدائیان می‌پرسیم: چه انگیزه‌ای در پس این کوشش نویسنده لمیده است؟

«ما» پست رهبری دست بیاکند و سپس شخص ساواکی را به مقام رهبری گروه ارتقاء دهد. از خود فدائیان می‌پرسیم: چه انگیزه‌ای در پس این کوشش نویسنده لمیده است؟

«ما» پست رهبری دست بیاکند و سپس شخص ساواکی را به مقام رهبری گروه ارتقاء دهد. از خود فدائیان می‌پرسیم: چه انگیزه‌ای در پس این کوشش نویسنده لمیده است؟

دوستان جریک ما، که در سال ۵۷ در زندان درباره اقتصاد ایران و امپریالیسم تحقیق کرده‌اند، حتماً باید دارند که چه کسانی در تیم مطالعاتی بازرگانی، با تکذاری و صنایع میک با آنها کار می‌کنند؟ و یک سلسله نشانه‌های دیگری که باید مانده است.

این حقایق فقط برای دوستان صدیق ارائه شده است. و لایحه...

ویننده «کار» در «تحلیل» خود میگوید، «دورزیر فشارهای پلیس سیاسی روزندان نتوانستند...» (همان مقاله) در این زمینه تفاوت را به عهده همان دوستان صدیق می‌گذاریم. برای درک بهتر این مسئله که «ما» هوادار جریک‌ها بوده‌ایم و اخیراً توده‌ای شده‌ایم، به اعلامیه توضیحی هواداران جریک‌ها در بابل استناد میکنیم.

«از جمله همکاریهای ما با آنها نوشته‌ای از آن محفل بود پیام «نقدی بر مهاجرت رفیق اشرف دهقانی». در مقدمه‌ای که بر این نقد نوشتیم، توضیح دادیم که «این کار محفل از هواداران است که...» (اعلامیه توضیحی هواداران جریک‌ها - بابل - ۵۸ دی ۵۸)

در دعای دیگر، مسئله بسیار ساده است. نوشته مادر مقدمه‌ای بر آن نقد و نیز دست‌نوشته آنها روشن میکند که آنها «محفل از هواداران» به مفهوم عام بوده‌اند. در رابطه با تشکیلات هواداران سازمان جریک‌های فدائی خلق ایران، (همان اعلامیه)

شما تشکیلات جریک‌ها در بابل در همان اعلامیه توضیحی، گوشه یکی از به اصطلاح گزاردشهای ضمایم دایه تشکیلات بابل به عنوان «مدنه» ارائه داده است. این «مدنه» نشان میدهد که تشکیلات جوانان پرسودختر در بابل در ارتباط با ما پایه‌گذاری شده و مسئولیت‌های مطالعاتی آنها (بقول خودشان «بهترین جوانان هوادار در بابل») به عهده ما بوده است. همانطور که تشکیلات فدائیان در بابل هم بناچار احتراف کرده‌اند که رفقای ما جزو و چهل و چند صفحه‌ای مذکور را در پاسخ مهاجرت اشرف دهقانی نوشته بودند و «سرخه روجا» (نشریه هواداران سازمان جریک‌های فدائی خلق ایران - سازندگان) آنرا در یک شماره چند از نسخه‌ای چاپ کرده‌اند. هیئت تحریریه «سرخه روجا» در مقدمه کوتاهی که بر این جزوه نوشته، می‌گوید: «امروزه پیش‌انحر زمان حفر جنبش کمونیستی در جریان یک مبارزه ایدئولوژیک مستمر و دربر خود با نظرات کوناگونی که به اشکال مختلف و در محدوده‌های متفاوت موجب انجماد تفکر انتقادی می‌گردد، رشد و تکامل مییابد. بدون سازمان دادن بیک چنین مبارزه‌ای که از هرگونه اتهامات ناروا، شخصی و غیرمسئولانه بدور باشد، انبوه هواداران سازمان از رشد و تکامل نظری و لاجرم عملی محروم خواهند گردید. از نظر ما نوشته حاضر... که حاصل کار محفل از هواداران است، در مسیر مبارزه ایدئولوژیک درونی جنبش کمونیستی قرار دارد و گام مثبتی در جهت غنا بخشیدن بدان بشمار میرود...» کلاً آنان در مجموع از ویژگی‌های یک مبارزه ایدئولوژیک سالم برخوردار است. از این رو آثار و آثار را منتشر میکنیم و امیدواریم انتشار این نوشته در تحریک و پویایی مارکسیست - لنینیستهای انقلابی در جهت جنبش طبقه کارگر مفید واقع شود.

(مقدمه هیئت تحریریه بر جزوه «نقدی بر مهاجرت...» تیر ۵۸).

پس از انتشار این جزوه، هیئت تحریریه «سرخه روجا» (ارگان فدائیان در مازندران) از ما خواستند تا جزوه‌ای در پاسخ تر در آید. غیر سرمایه‌داری بنویسیم. (که این مطالب درباره دارنده غیر سرمایه‌داری یکی از احوال مهمی بود که منجر به توده‌ای شدن ما گشت). آیا هنوز هم نویسنده روزنامه «کار» می‌خواهد ادعا کند که «هیچ اتفاقی نیفتاده است»؟

عجیب در «مملو» و ملوک‌الطوایفی ایدئولوژیک، سیاسی و تشکیلاتی فدائیان اینبار نیز به صورت دیگری آشکار شده است. «کار» ادعا می‌کند که هیچگونه رابطه‌ای با «ما» نداشته، ادعا میکند که «ما» به اشتباه تصور می‌کردیم که هوادار سازمان جریک‌ها بوده‌ایم. اما تشکیلاتشان در بابل اعتراض می‌کنند که «محفل هواداران» (گروهی از هواداران سابق) با هیئت تحریریه در ارتباط بوده است... راستی دوستان جریک‌ها چرا به دروغ متوسل میشوند؟

مانند روزهای تشکیلات فدائیان در بابل روشن است که هیچک از رفقای ما در زندان توده‌ای نشده‌اند، اما نویسنده «کار» ادعا میکند که اغلب ما در زندان توده‌ای شده‌ایم (یعنی حال ما خودمان متأسفانه از اینکه در زندان توده‌ای نشده‌ایم).

نویسنده «کار» در پایان مقاله به نکتی جالب توجهی بر خود می‌کند، «فکت جالب توجه اینست که هر کس در نشر معمولی روزنامه «مردم» تفسیق کند، در می‌پاید که حتی نوشته‌ای این گروه را خود نویسنده‌گان روزنامه «مردم» برای آنها نوشته بودند.» (مقاله کار ۴۲).

این آخرین دروغ نویسنده است که در عین بی‌انصافی ما به خوشحالی مشاهده است. بی‌انصافی نویسنده از این است که ما را خیلی خیلی کم گرفته است. نویسنده فراموش کرده است که (بقول خودش) «ما» از سالها پیش در کار نقد رمانهای انقلابی بوده‌ایم. نویسنده فراموش کرده است که ما در همان پیش از ده پاسخ به اشرف دهقانی (از مازندران) بهترین پاسخ را به «سرخه روجا» داده‌ایم.

نویسنده فراموش کرده است که (بقول تشکیلاتشان در بابل) مسئولیت کلاسهای تئوریک تشکیلات دانش آموزان هوادار (بابل) را ما عهده داشته‌ایم... این آژی انصافی نویسنده است. ولی در عین حال ما خوشحالییم از اینکه نویسنده «کار» در مقاله خصمانه‌اش، نامه «ما» را به نشر روزنامه «مردم» نزدیک تشخیص داده است. اگر چه ما نامه خود را لایق مقایسه بانثرمین و توده‌ای «مردم» نمیدانیم

مختل ساخته‌اند، هیچ فردی این جنایت فجیع و نمونه‌های مشابه آن در دیگر نقاط کشور، اینک به تجدیدی جدی علیه امنیت عمومی تبدیل شده است. مسئولین امور باید هرچه زودتر در مورد آن چاره‌اندیشی کنند.

برای شهیدان حزب و جنبش

«مردم» در نظر دارد عکسهای تمام مبارزانی را که در دوران سلطنت شکن و منفور خاندان پهلوی در راه آرمانهای ملی و میهنی و انسانی خود شهادت رسانیده‌اند، جمع‌آوری کند. از همه میهن‌دوستان آزادی‌خواهان تقاضا می‌شود که هر عکسی از این مبارزان شهید دادند، به

افراد مسلح ۳ نفر رادر «دوگور» به قتل رساندند

۴ فرد مسلح در حمله به «دو گور» (یکی از روستاهای سومعه - بیوشوی افشار، به خیال آنکه در سال ۳ نفر را به قتل رسانیدند. برادر نیز کشته شده‌اند، از این افراد مسلح چند روز پیش به خانه یکی از روستائیان «دوگور» یکی از این دو برادر که ایک در حمله کردند و ابتدا پدرخوانده بیمازیستان پسر می‌بزند، بسیار را به ضرب چاقو کشتند و به دو دختر این روستایی تجاوز کردند و آنگاه با چاقو آنها را هم کشتند. مرتکبین آن ناشناس ماندند که پس از این جنایت فوجیه افراد مزبور طلب به گریختن در فرزند پسرین اسلامی ایران باید بپردازد پیش خانواده انداختند و هنگامی که علیه کسانی که امنیت مردم را خنثی کرده‌اند، عمل نمائیم»

حزب توده ایران - سازمان بوشهر

گشایش دفتر حزب توده ایران در بوشهر

دفتر حزب توده ایران در بوشهر گشایش یافت. باین مناسبت سازمان حزب توده ایران در بوشهر، اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه آمده است: «سازمان حزب توده ایران در بوشهر لازم میدانند که برای روشن نمودن آذهان عمومی در رابطه با فعالیت‌های گذشته و برنامه‌هایی که در آینده در پیش‌روی دارند، با مردم بوشهر به گفتگو بنشینند. حزب توده ایران میتواند افتخار و حتی اعدامها تبراسیده و به کاندک تحلیل‌های علمی خودیمنان داشته است. اینک نیز بیکرانه و با تمام توان خود، بر اساس پیش‌علمی خویش، در خط امام که خطی ضدامپریالیستی و خلقی است، حمایت میکند.

در شرایط کنونی که انقلاب خلق قهرمان ایران به رهبری زیم عالیقدر، امام خمینی، میرود تا پس از سرنگونی رژیم محسوس سلطنتی، مرحله دوم، یعنی مبارزه با امپریالیسم آمریکا، آبه بیروزی نیایی برسانند، این ضرورت را

دفع حزب توده ایران در بوشهر گشایش یافت. باین مناسبت سازمان حزب توده ایران در بوشهر، اعلامیه‌ای انتشار داد. در این اعلامیه آمده است: «سازمان حزب توده ایران در بوشهر لازم میدانند که برای روشن نمودن آذهان عمومی در رابطه با فعالیت‌های گذشته و برنامه‌هایی که در آینده در پیش‌روی دارند، با مردم بوشهر به گفتگو بنشینند. حزب توده ایران میتواند افتخار و حتی اعدامها تبراسیده و به کاندک تحلیل‌های علمی خودیمنان داشته است. اینک نیز بیکرانه و با تمام توان خود، بر اساس پیش‌علمی خویش، در خط امام که خطی ضدامپریالیستی و خلقی است، حمایت میکند.

در شرایط کنونی که انقلاب خلق قهرمان ایران به رهبری زیم عالیقدر، امام خمینی، میرود تا پس از سرنگونی رژیم محسوس سلطنتی، مرحله دوم، یعنی مبارزه با امپریالیسم آمریکا، آبه بیروزی نیایی برسانند، این ضرورت را

یکی از دوستان کتاب
جمعه از گران غیر رسمی هایت دبیران
کانون نویسندگان ایران در تارین
۱۶ اردیبهشت ۵۸۱۰۰، یعنی در روزهای
اوچگی میاد زات شد امپریالیست
خلقهای ایران بر علیه شیطان بزرگ
دشمن اصلی همه خلقتای ایران
امپریالیسم آمریکایک - مصالحه ای
با شیخ عزالدین مصباحی بعمل
آورده است. این مصالحه در شامه
۲۵ کتاب جمعه پیاپی رسیده است
مصاحبه کننده از جمله پرسیده
است.

پرستش... تصویر فرمائید
دشمنان اولیه ما چه کسانی هستند؟
ایران با توجیهش را بیشتر متوجه
کدام دشمن بکنند؟
پاسخ: کدام دشمن؟ دشمن
داخلی یا خارجی؟

پرستش: دشمن خارجی منظور
منظور من است.

پاسخ: دشمن خارجی...؟
جواب به این سؤال مشکل است!
لازم به یادآوری است که در
این شماره از کتاب جمعه از گران
غیر رسمی هایت دبیران کانون
نویسندگان ایران - که ظاهرا
پرتیو نام نهادند مبارزات خلقهای
آمریکای لاتین است و روی جلد
آن مریز به تصویر زیبایی از
دو تن از قهرمانان مبارزات خلق
های آمریکای لاتین بر علیه
امپریالیسم آمریکاست. دو مقاله
(توضیح مصاحبه مذکور) در باره
سایر داخلی ایران پیاپی رسیده
است که در هیچ یک از این سه
نام امپریالیسم آمریکا پستونان
دشمن اصلی خلقتای ایران همیان
نیامده است و در عوض در هر سه
حزب توده ایران، از زوایای
مختلف، زیر رگبار ساز او تهاجم
تحریف قرار گرفته است. قاعتهرو
اوالوایامار!

پرستش: تصویر فرمائید
دشمنان اولیه ما چه کسانی هستند؟
ایران با توجیهش را بیشتر متوجه
کدام دشمن بکنند؟
پاسخ: کدام دشمن؟ دشمن
داخلی یا خارجی؟

پرستش: دشمن خارجی منظور
منظور من است.

پاسخ: دشمن خارجی...؟
جواب به این سؤال مشکل است!
لازم به یادآوری است که در
این شماره از کتاب جمعه از گران
غیر رسمی هایت دبیران کانون
نویسندگان ایران - که ظاهرا
پرتیو نام نهادند مبارزات خلقهای
آمریکای لاتین است و روی جلد
آن مریز به تصویر زیبایی از
دو تن از قهرمانان مبارزات خلق
های آمریکای لاتین بر علیه
امپریالیسم آمریکاست. دو مقاله
(توضیح مصاحبه مذکور) در باره
سایر داخلی ایران پیاپی رسیده
است که در هیچ یک از این سه
نام امپریالیسم آمریکا پستونان
دشمن اصلی خلقتای ایران همیان
نیامده است و در عوض در هر سه
حزب توده ایران، از زوایای
مختلف، زیر رگبار ساز او تهاجم
تحریف قرار گرفته است. قاعتهرو
اوالوایامار!

مرگ یک توده‌های وفادار



روزنامه‌های همدیس-سیاسی-محمدراده
از کمیته‌ترین اعضای
به توده ایران پس از یک بیماری
ولانی در روز ۵ بهمن ماه
نشست.

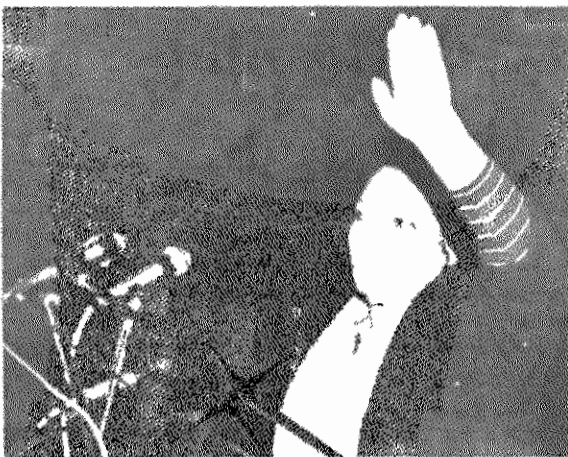
رفیق محمد زاده یکی از
نی بود که بلافاصله پس از
س حزب توده ایران به آن
تی وی از جمله وفادارترین
د به آرمین های حزب توده
ن بود. چنانچه شخصی حزب
سال ۱۳۳۰ طبق نقشه او
شند.

رفیق محمدزاده به خانواده
ویت کرده است که از
ادی هر نوع مراسم ختم
داری کنند و کلیه هزینه‌های
طه را برای اجداد خانه
به حزب وی. حزب توده
ن بدهند.
ما با تانی همیق در گذشت
فیق ارجمند را به خانواده
محمدزاده و همه بخوشان و
نوی سیمان تسلیت میگوئیم
رادر آورنده آنها شریک
نیم.

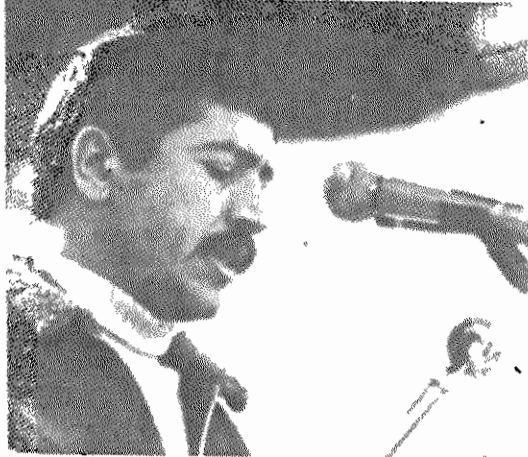
برخانه کمیته مرکزی
حزب توده ایران



رفیق سپیده سامانی شرخود
را بیاد ارانی قرالت میکند



خانم کوکب ارانی، خواهر دکتر ترقی ارانی



سازمان، پیام سازمان جوانان و
دانشجویان دمکرات ایران را قرالت میکند

دنباله سخنان رفیق طبری... بقیه از صفحه ۵

نرسیده. تاریخ هم نایستاده. همان افشاحات است که بدست قوای
قناتی طبقات ممتاز تکرار می شود تا اینکه دوده وضع قوانین مطابق
عدالت واقعی ونیع توده بشو. برسد.
پس از آن دردی مکت، بالحنی که در آن طنزی غم آلود ما
اختطاری مهیب در آمیخته بود، ارانی با همان آرامی و شمردیگی
چنین افزود:
هر قدر که این محکمه ولپاسهای رنگارنگ شما بنظر تان
مقدس می آید، قانون اعدام سراط و با تمصبات مذهبی کاتولیکی هم
بنظر شان مقدس بوده این جلسه هم مانند آن جلسات مضحک و فبیج
روزی موضوع برای صحنها و نمایشات خواهد شد. قوه محرک و
تغییر قوانین بقدری بزرگ است که بزرگترین تمصبات هم نتوانند
مانع آن تغییر شود.

دکتر ارانی بویژه آن قانونی را که مظهر نمونه وار ستم
طبقاتی بود، یعنی قانون ضد کمونیستی سال ۱۳۱۰ را در دادگاه نام-
بر کرد و گفت:
مجلس شورای سال ۱۳۱۰ این جرأت را کرد و ماده ۶۰ قانون
مجازات عمومی سابق را که مجلس ملی برای حفظ انتظام کشور
در مقابل شورشها وضع کرده بود تغییر داد. آزادی عقاید را
رسماً قدس نمود. توهین کمرشکنی بمثل ایران وارد آورد.
هر قدر دهرویت آن مجلس، تشریفات «قانونی» تشکیل آن،
منافاتی که قانون منور باروح قانون اساسی داد و سوء استفاده ای
که مجلس از حق خود بدون توجه با احساسات عمومی نموده است،
بیشتر دقت کنیم، این قانون متضدتی و کثیفی در نظر ما جلوه
می کند. بهمین جهت ما آنرا بیادگار محکمه تاریخی امروز
«قانون سیاه» می نامیم. هر برای حفظ شرافت ملت ایران نفرت
شدید خود را بدان اظهار می داریم. اگر چه آن قانون اصولاً
برای قدس کردن کمونیم وضع شده است، در همین حال بجهت
تکمیل عمل متضد خود، تمام عقاید را قدس نموده است.

شخصیت او از چارچوب یک حزب، یک جنبش خارج است
و با اطمینان میتوان گفت که دارای ابعاد کشوری، دارای ابعاد
تاریخی است.
من شاهد روحیه آهنینش در زندان بودم. اورا در یک ریور
سه زندان موقت شهر با تسی (که بعدها در دوران تسلط ساواک
زندان کمیته نامیده شد) در سلولی مربوط و بدون فرش، مدت ها
نگاه داشتند. این خود یک نقشه قتل او بود. ولی ارانی با همان
روح پر نشاط و تسلیم ناپذیر روی سمنت سرد سلول، با یک مسائل
ریاضی دا مطرح وحل میکرد.

فارجهای این سلول را چیده بود و در دادگاه به دادرسان
ارائه داد. همانجا، در این سلول زنده و دهبو و عریان، مانند کوه
ایستاده بود. من در همین کریدور سه، در اطاق پنج مدتها با ارانی
همیند بودم. وقتی ما زندانیان سیاسی را برای اصلاح سر، روی
پیت بنزین، انتقالی جلوی در سلول او که در آنجا قرارداد شد،
می نشانند، از سواخ در، بی اعتنا بطغر، اما به ایستادگی و
و هیاداری رامیدواری انقلابی دعوت میکرد. حسابش آن نبود که باید
به نحوی جان خود را از ملکه بدبرد یا چشم براه پیروزی آسان و
نزدیک بود. حسابش این بود که باید همان بود که مدعی هستیم. باید
به حقیقت علمی و عدالت اجتماعی عشق ورزید و همه عواقب این
عشق با تحمل کرد.

آخرین شغل او رئیس اداره کل صناعت بود. مقامی نظیر
وزارت. همه شرایط یک زندگی مرفه و متری در دستگاه استبدادی
برایش فراهم بود. ولی او با این امور حتی لفظی اعتنا نداشت.
اندیشه اش اجراء وظیفه انقلابی اش بود. خودخواهی جانورانه و
کلبکاری سودور زانه، این بیماری که آنقدر شیوع دارد و افراد
راه اعضای حزب معروف «پاده» بدل می کند، ایسدا و اسلا در ذاتش
وجود نداشت.

بذدی که ارانی، افشانند، ثمراتی فراوان و گوناگون داد.
همه انقلابها، روشنگران، آغازگران و بیدارگرانی دارند.
ارانی مسلماً از روشنگران و بیدارگران همین انقلاب بزرگه
کنونی ماست. در متن اندیشه‌های همه انقلابیون جامعه ما، از هر
زمره که باشند تأثیر بیدار ساز اندیشه‌های ارانی در اجباس
می توان کرد.

تردیدی نیست که اگر امروزها ما بود، از طلوع خورشید
انقلاب رسن تونی استبدادی پهلوی اجناس سادتی عظیم میکرد و
بدرایت و قاطعیت رهبر بزرگ این انقلاب، امام خمینی، درود
می فرستاد و محشی حزب مابارا، که تنها همی اصولی و واقع گرایانه
یک حزب خلقی و انقلابی است، مورد تأیید قرار میداد. اگر امروز
بود از عظمت سوسیالیسم و دستاوردهای آن و اینکه امروز سوسیالیسم
به عامل قاطع تاریخ تبدیل شده است، سخت بشوق می آمد.
درباره شخصیت بزرگه ارانی سخن بسیار گفته شده است.
در مطبوعات حزب ما از این نوع بررسی های تاریخی فراوان است
و در این جلسه نیز حرفهای لازم گفته می شود، لذا من وظیفه خود
میشم که، بی آنرا این ملال ندم و دریایان شکر کوناهی بخوانم
که درسی سالکی شهادت ارانی سر لوحه یک مقاله خویش قرارداد
بود و این شمر را با الهام از شمری که ما با کوفسکی در حق لنین
سروده بود، سروده بودم. و آن این است:

اگر پوسان شود از من جوانی
که: «در راه شگرف زندگانی
که را از بهر خود سر مشق سازم؟»
بدون مکت می گوئیم: «ارانی»!

دنباله سخنان رفیق کیانوری... بقیه از صفحه ۵

هر از گشته داده. فقط در جریان سرکوب شدن جنبش دمکراتیک
آذربایجان و کردستان بیش از ۲۰ هزار نفر از مبارزان راه آزادی
به خاک و خون افتادند. در جریان سالهای اخیر حکومت محمدرضا
پهلوی و امپریالیسم آمریکا بیش از ۶۰ هزار نفر از جوانان میهن ما
زندگی خودشان را فدا کردند. بیش از ۱۰۰ هزار زخمی شدند. ولی
تمام این فدا کاریها و این گذشته ای نتیجه نبود. با پیروزی انقلاب
ایران یکی از محکمترین شربه ها بر امپریالیسم آمریکا وارد آمد
و این روزهای که امپریالیسم آمریکا و یارانش در دنیا این روزها سر
دامه اند، فقط در اثر دود شربه ایست که بر آنها وارد شده است. تمام
تلاش خودشان را در امپریالیستها بکار انداختند برای اینکه انقلاب
ایران را با شکست روبرو بکنند و اوضاع گذشته را بازمایند.

برای رسیدن به این هدف امپریالیسم از آغاز اوج گرفتن
جنبش انقلابی ایران تمام وسایلی را که در اختیار داشت، بکار انداخت
لایه به لایه شکردهای ارتجاعی خودش را در بازی وارد کرد. اول
محمدرضا به فکر فضای با زافتاد. یادش افتاد که این فضای بسته باید
کمی باز شود. جیره خوارانی مثل آزمون و مثل انصاری پرچسپدار
فضای دمکراسی شدند. ولی این بازی با شکست روبرو شد. چهره
تا زامی آوردند که دمکراسی را برقرار کنند. نخست وزیر پندی آمد.
او هم تمام حقه‌هایی که زد برای این بوده سرود را آرام کند و
جنش را به سکوت وادارد، ولی موفقیت پیدا نکرد. شریف امامی
هم میبوردند جای خودش را به او پس و از هاری بدهد برای اینکه
رژیم به خطر افتاده بود. فضای بازخیلی باز شده بود. او پس
کشتن ۵ هزار نفر در یک روز و از هاری هم با دنبال کردن شیوه
و حیثیانه آدمکشانه او یکی دو ماهی کوشش کردند که جلوی اوج
جنش را بگیرند. فایده ای نکرد. لایه بندی امپریالیسم وارد شد.

دولت «ملی» چیه ملی را دعوت کردند. سنجایی دعوت شد. سدیقی
دعوت شد. و بالاخره بنحیضی آمد. تقسیم کار شد. عمده ای گفتند
حسامی ما نیم با جنبش برای فردا. بختیار هم مأمور شد بر سر
اینکه شاید بتواند مواضع امپریالیسم و ارتجاع را در ایران نجات
بدهد. ولی جنبش عظیم خلق مثل سیلی او را از پیش پای خودش
برداشت. مردم ایران که دشمن داخلی و خارجی را خوب شناخته
بودند، گول هیچکدام از این شکردها را نمی خوردند. و توانستند
یکی بعد از دیگری این بازیها را نقش بر آب کنند و راه راستین
انقلاب راه که عبارت از برانداختن تسلط امپریالیسم و در وهله اول
امپریالیسم آمریکا، بر انداختن نظام مغرور سلطنتی، بر انداختن
حاکمیت سرمایه داران و مالکین بزرگ وابسته به امپریالیسم را دنبال
کنند.

از همان آغاز شروع موج انقلابی، دو گرایش در جنبش
پیدا شد. این دو گرایش پایه طبقاتی داشت. نیروهای خلق هدف
را خوب شناختند، دشمن را خوب شناختند. و شیوه مبارزه راستین
بر را گزیدند. و آن را گام به گام دنبال کردند. نیروهای سازشکار
وابسته به سرمایه داری، که از نظام موجود شاهنشاهی، ناراضیهایی
داشتند، از تسلط آنچنانی امپریالیسم خشنود نبود، از زور گویی و
جنايات ساواک خوشش نمی آید، قیافه دمکرات منش و لیبرال منش
بخودش گرفت و در مبارزه شرکت کرد. ولی تلاش آنها این بود
که نگذارند جنبش انقلابی از چهارچوب منافع آنها خارج شود.

این دو گرایش از همان ابتدا بیدار شد و هر روزیکه
میگذشت بیشتر شکل میگرفت. در اینجا همه قشرهای جامعه ما
تقسیم شدند. روشنگران تقسیم شدند. جناح سازشکار و جناح
و عظامت سلطنتی بوجود آمد. ولی در بین توده ها این تقسیم وجود
نداشت. توده های میلیونی خلق به دنبال راه انقلابی افتادند. در اینجا
است که باید به نقش بزرگ تاریخی، استثنائی امام خمینی توجه
بکنیم. امام خمینی به عنوان یک شخصیت واقفا استثنائی و تاریخی،
با ویژگیهای بزرگ انسانی و انقلابی، از دیر زمانی این هدفهای
اساسی و اجتناب ناپذیر مبارزه خلق را به خوبی شناخت و بطور
تزلزل ناپذیر و پیگیر در این راه ایستاد و خلق را دعوت کرد به
مبارزه بی امان و فداکاری و گذشت برای پیروزی. نقش امام
خمینی که توانست تمام خواستهای انقلابی توده های میلیونی
زحمتکشان شبر و روستا را در چهارچوب اسلام انقلابی بازتاب
دهد و بدین ترتیب نیروی عظیمی را به حرکت در بیاورد، دارای
اهمیت تاریخی است. به همین دلیل هم امام خمینی مورد احترام
نه تنها انقلابیون ایران، بلکه همه مبارزان ضد امپریالیستی، همه
مبارزان راه آزادی و انسانیت در سراسر جهان است.

این دو گرایش، یعنی گرایش انقلابی و گرایش سازش-
کارانه باهم دیگر به آستانه پیروزی انقلاب آمدند، سازشکاران،
که در جریان تدارک پیروزی انقلاب، دیدند که نمی توانند خلق
را به دنبال خود بکشانند، ریاز کارانه با خلق همگام شدند. ولی
پس از پیروزی انقلاب کوشش کردند که مواضع قدرت را به
دست بگیرند و اگر قبل از انقلاب توانستند جریان انقلاب را
عوضی بکنند و به نفع خودشان در سیرگی که خودشان میخواهند
بهرکت در بیاورند، پس از انقلاب از مواضع قدرت، این راه حل
سازشکارانه و تسلیم آمیز را به خلق تحمیل بکنند.

به این ترتیب پس از انقلاب دو گرایش باز در مقابل همدیگر
قرار گرفتند. این بار در رهبری در مرکز قدرت انقلاب دو گرایش
به وجود آمد. نهادهای انقلابی وارد آوردن شربه به امپریالیسم

به ساط فرعون استبدادی شاه. در جهت تامین منافع خلقتا،
اقداماتی را انجام می دادند. یک جریان سازشکارانه ای که بیشتر
در دولت متمرکز شده بود، کوشش میکرد امپریالیسم را از زیر
شربه خارج کند، نیروهای خلق را به خاتوشی بکشاند، دستگاه
استبدادی را بدون تفسیر نگه دارد و به وسیله این دستگاه جنبش
انقلابی خلق را در لفظه مین سرکوب کند و مانع از آن شود
که تغییرات بنیادی در جامعه بوجود آید.

دستاوردهای انقلاب با حصول جنبش و گرایش انقلابی
است. به امپریالیستهای آمریکایی شربه های محکمی وارد
آمد. مستشاران آمریکایی به بیرون رانده شدند. قراردادهای
زیادی که امپریالیسم به کشور ما تحمیل کرده بود، پاره شد.
عدیه زیادی از مزدوران رژیم گذشته، سرسپردگان، گردانندگان
و لجبائیکاران بازداشت شدند، محاکمه شدند و اعدام گردیدند.
ثروت بسیاری از آنها به نفع زحمتکشان، به نفع مستضعفان، به
نفع محرومان جامعه مصادره شد. تاسیسات وابسته به امپریالیسم
مثل بانکها، چه بانکهای خصوصی داخلی چه بانکهای امپریالیستی
ملی شدند. بخش بزرگی از صنایع که وابسته به سرمایه داری
امپریالیستی بود، ملی شد. بیمه ملی شد.

ولی دولت سازشکار لیبرالها برعکس کوشش میکرد با
آمریکا کنار بیاید. امیر نظامها در داخل آن مشغول فعالیت
بودند و تدارک این را می دیدند که بخشی از اسکال آمریکا
را به عنوان دوست مردم ایران جا بزنند و سمت گیری انقلابی
ایران راه، که علیه امپریالیسم آمریکا بود، برگردانند به سوی
نیروهای راستین انقلاب در داخل و بسوی دوستان واقعی انقلاب
ایران یعنی کشورهای سوسیالیستی و جنبشهای ضد امپریالیستی
واقعی در خارج.

فصاد بین این دو گرایش هر روز شدت پیدا میکرد و
پلاخره بدینجا رسید که تحمل همین سیمت آینه بین این
دو گرایش امکان پذیر نبود. لاقول در مرکز قدرتی که این دو
گرایش در آنجا نمایندگی داشتند، امکان پذیر نبود.
با برکناری بازگان مرحله تازه ای در انقلاب ایران آغاز
شد. شاخص این مرحله در عمقی تر شدن مبارزه ضد امپریالیستی،
بویژه ضد امپریالیسم آمریکا در سیاست خارجی ایران و توجه به
خواستهای خلق در داخل ایران بود. در این مرحله جدید ارتجاع انقلاب
ایران در سمت گیری ضد امپریالیستی و خلقی، ما بزمه می بینیم که
نقد امام خمینی کاملاً موثر بوده است. امام خمینی در چهارپایم معروف
خود پیامهایی که کمی قبل از اشغال جاسوسخانه آمریکا منتشر شده
سمت گیری انقلاب ایران را بطور مشخص علیه شیطان بزرگ-
امپریالیسم آمریکا تمیین کرد. در مسائل داخلی هم بطور مشخص
انقلاب ایران را انقلاب کویختنیسم توصیف کرد نه کاخ تختیسم،
و اینکه باید به محرومان جامعه توجه شود و خواستها آنها
بر آورده گردد.

در مسئله ملیت، با پیام تاریخی به خلق کرد، برای اولین بار
به عنوان رهبر کشور به رسمیت شناخت که خلقها حق دارند در
سرنوشت خودشان دخالت کنند، حق دارند که خودشان خودشان
را در چهارچوب یک ایران واحد اداره کنند. و در آخرین پیام
که به دانشجویان دانشگاه تهران، به مناسبت ۱۳ آبان فرستاد، از
مردم خواست که تمام انرژی و نفرت خود را نسبت به شیطان
بزرگ امپریالیسم آمریکا - ابراز دارند.

همه اینها سرچشمه جنبش عظیم ضد امپریالیستی نوبنی شد،
که ما شاهد آن بودیم و هنوز هم ادامه دارد.
ولی تصور اینکه با ارتقاء جنبش انقلابی ایران، لیبرالها و
ضدانقلاب بکلی شکست خورده و از صحنه خارج شده اند و خطر
دیگری درین نیست، تصور نادرستی است. به ضد انقلاب و
لیبرالها با این اوضاع جنبش انقلابی ایران شربه سختی وارد
آمد، ولی آنها بیچوجه از آن نشنستند. ضد انقلاب پس از این
شربه کوشش کرد به اشکال مختلف دورتبه وارذ میدان شود.
خطرناکترین این تلاشها جریان تبریز و ارومیه بود، جریانی
که ضد انقلاب به کمک حزب ساخته خود و به کمک احزاب لیبرال-
منش به کمک گروههای حادثه جو در آذربایجان بوجود آورد و
خیال میکرد که آنها را مبدا یک جریان ضد انقلابی در سراسر
ایران بکنند. ما خوب می بینیم که پس از شروع جریان در آذربایجان،
تمام گروههای لیبرال تهران و نقاط دیگر ایران، گروههای
حادثه جو مثل کومه له با شتاب عظیم و با شادی عظیم موافقت خود
را با این جریان ارتجاعی و خائثانه نسبت به منافع انقلاب ایران
اعلام کردند. ولی بیداری مردم ایران، بیداری مردم قهرمان آذر-
بایجان، خیلی زود این توپله را فاش کرد و توپله گران را با
شکست روبرو ساخت.

پیروزی انقلاب ایران در آذربایجان پیروزی بزرگی بود که
بدون شک دارای اهمیت تاریخی است. ولی با وجود این شکست،
باز هم امپریالیسم دست برداشته است. ما میدانیم که امپریالیسم
با تحول انقلابی در ایران یکی از بزرگترین و شاید بتوانیم بگوییم
کنیم که مطمئنترین تکیه گاه جهانی خود را از دست داد. ایران
برای امپریالیسم بیش از هر نقطه دیگر جهان دارای اهمیت
استراتژیک، هم از لحاظ نظامی هم از لحاظ اقتصادی است.
امپریالیسم آمریکا با همه امپریالیستها با وجود آنکه بین آنها

بقیه در صفحه ۲

تسک کارگران در انجمن های صنفی (سندیکاها)
ضرورت انقلاب ایران است

حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات مریوان: عده‌ای از اشخاص و گروه‌ها بنام خلق کرد باسر سپردگان امپریالیسم پیمان بسته‌اند

حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات مریوان اعلامیه‌ای تحت عنوان «مردم باید حقایق را بدانند» انتشار داده است. در این اعلامیه حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات مریوان کوشیده است مرز دقیقی بین نیروهای انقلاب و ضد انقلاب در کردستان ترسیم کند و چهره واقعی کسانی را که بنام خلق کرد یا سرسپردگان امپریالیسم آمریکا علیه خلق کرد همدست شده‌اند، افشا کند. متن کامل اعلامیه حزب دمکرات کردستان - تشکیلات مریوان چنین است:

خلق مبارز کرد! مبارزات بر حق خلق کرد روز بروز ابعاد وسیعتری بخود می‌گیرد، توده‌های بیشتری را بخود جلب می‌نماید و از پشتیبانی نیروهای مترقی برخوردار می‌گردد. وظیفه تاریخی ما این است که این دستاورد خونین خلق را همانند مردمک چشم حفظ کنیم و آنرا هر روز بیشتر بارورتر سازیم.

حزب دمکرات کردستان ایران معتقد به این واقعیت است تنها جنبشی بیروز است که در خلق ریشه دوانیده باشد و از سوی خلق تایید گردد و هیچگاه حتی در سخت‌ترین شرایط هیچ حزب و گروهی حق ندارد برای تأمین خود از ضد خلقیان و عوامل امپریالیسم یاری بگیرد، زیرا که تجربه جنبش‌های سایر خلقها ثابت کرده است که گرفتن کمک و یاری از دولت‌های ضد خلقی نه تنها جنبش را پیش نمی‌راند، بلکه باعث انحراف و انهدام جنبش

خواهد شد. مثال تاریخی این واقعیت مبارزات دیگر برادران کرد ما در عراق پرهیزی ملا مسطقی بازرانی است که حتی با دادن ۲۵ هزار شهید، بملت تکیه کردن بر رژیم ضد خلقی شاه با شکست روبرو شد که در تاریخ شکست نه‌تنها به‌تازگی ثبت گردیده، ما می‌رسیم: آیا تکرار چنین کارهایی در این مرحله از مبارزات خلق کرد (دوستی و ضد خلقیان) از سوی هر کس که باشد خیانت است؟ جنبش خلق نیست؟ چگونه می‌توان اقداماتی را در این مرحله از مبارزات حساس و سرنوسخت ساز ما، که تاریخ غلط بودن آنرا ثابت نموده، در پیشگاه خلق کرد یا سرسپردگان امپریالیسم آمریکا و توده‌های مترقی را بخود جلب می‌نماید و از پشتیبانی نیروهای مترقی برخوردار می‌گردد. وظیفه تاریخی ما این است که این دستاورد خونین خلق را همانند مردمک چشم حفظ کنیم و آنرا هر روز بیشتر بارورتر سازیم.

حزب دمکرات کردستان ایران معتقد است جنبش خلق کرد کردستان ایران فقط زمانی شاهد بیروزی را به آغوش میکشد که از دستبرد ضد خلقیان و دوستی آنان بدور باشد. با این اعتقاد ما وظیفه انقلابی خود میدانیم هرگونه عمل فادریست را برای آگاهی و تضاروت مردم که انقلاب از آن خود آنباست، افشا کنیم. در تاریخ ۲۶ و ۲۷ ۵۸۱۰۲۶ پیشمرگان قهرمان حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات مریوان در اطراف پایوه و پاشماق مرز ایران و عراق، متوجه ورود سه ماشین از مرز عراق بپاک ایران می‌شوند. با این اعتقاد که خلق کرد از رژیم‌های ضد خلقی اسلحه دریافت نمیدارد، برای روشن شدن موضوع که اسلحه‌ها از کجا آمده و برای چه کسانی است،

پیشمرگان اقدام به ضبط محموله‌ها، که حاوی اسلحه ضد هوایی با کالیبرهای مختلف، نود قیسه کلاشینکف و فشنگ کافی و توتو بود، میکنند و شخصی بنام حامد محمد طاهرک «میشول» گروهی مسلح در جوانرود «پین» که همراه اسلحه‌ها بود، بازداشت می‌شود. در موقع ضبط کردن اسلحه‌ها شیخ جلال‌الدین حسینی می‌گوید که این اسلحه‌ها بوسیله ما برای دفتر تیغ عزالدین حسینی آورده شده است. اما نماینده ماموستا در مریوان بعد از تماس با شیخ عزالدین گفته «شیخ جلال‌الدین را تکذیب می‌کنند و روابط ماموستا را با این جریان رد کرده و این عمل را محکوم می‌کنند. همچنین در این میان متأسفانه برادران کومله از شیخ جلال‌الدین دفاع نموده و تقاضای استرداد اسلحه‌ها را به شیخ جلال می‌نمایند و منعی نمی‌شوند که حزب دمکرات نباید با چنین اقداماتی مخالفت نماید. در این جریان عده‌ای مسلح و ناآگاه برای نمایش قدرت و طرفداری از شیخ جلال حسینی در مریوان ظاهر میشوند. همزمان با این اقدام مردم از حزب دمکرات کردستان ایران برای جلوگیری از ایجاد تشنج خواستار اقدام عاجل می‌شوند. از مبادا عده‌ای متعصب برای حل مسأله مریوان میانند و به بحث و مذاکره می‌پردازند. حزب دمکرات کردستان ایران با توجه به شرایط حساس کردستان و برای یاری رسانیدن به موفقیت هیئت نمایندگی خلق کرد در مذاکره و جلوگیری از ایجاد محیط تشنج و احترام به خواست

حزب دمکرات کردستان ایران تشکیلات مریوان

صلح و آرامش، بلکه صرفاً و صرفاً برای «افشارگی» است، ولی آنها با این روش در واقع خود را افشا و رسوا کردند و کینه‌ورزی و دشمنی خویش را با مصالح خلق کرد نشان دادند. ما به اعلامیه حزب دمکرات کردستان ایران - تشکیلات مریوان نهایت می‌گوئیم، ما به این افشارگی نه صرفاً بخاطر جدا کردن گروهی ضد انقلابی از نوع «کومه‌له» از جنبش خلق کرد، که به‌رحال با روش ناممومونی که در پیش گرفته‌است، خود این امر را به انجام می‌رساند، بلکه بطور عمده باین جهت است که می‌تواند در مرحله کنونی مبارزات خلقیمان، تشکیل جبهه متحد خلق، جبهه‌های مرکب از کله نیروهای ضد امپریالیست و خلقی، جبهه‌ای که خط فاصل دقیقی ما بین خود و ضد انقلاب کشیده باشد، را بیک ضرورت تاریخی میداند.

حزب دمکرات کردستان ایران تشکیلات مریوان

انقلابیون را درید و آنها را افشا و رسوا کرد و از میان مردم طرد نمود. اینها گرگ‌هایی دلباس میشی و مسافر در آستین انقلاب اند. «کومه‌له» نمی‌تواند هم مدافع خلق کرد و متفق حزب دمکرات کردستان باشد و هم عامل و واسطه ارسال سلاح از رژیم بعثی و وابسته عراق برای ضد انقلاب در ایران. همانگونه که «کومه‌له» تا بحال نشان داده‌است، رابطه‌ای را اصیل‌تر می‌دهد که او را به سید جلال حسینی و حزب بعث مربوط می‌کند و نه آن رابطه‌ای که او را به مردم رنجیده‌اند کرد و حزب دمکرات متصل می‌سازد. آنها بارها و بکرکات بی‌علاقگی خود را به مسأله اخیر نشان داده‌اند و اسلام کرده‌اند که شرکت آنها در مذاکرات، نه بخاطر تأمین حقوق خلق کرد و تأمین

فیدل کاسترو: همه کسانی که خواستار صلح بر اساس حق حاکمیت، شرافت و استقلال هستند، از انقلابهای ایران و افغانستان حمایت میکنند



عواقب شوم جنایات آمریکا در ویتنام

یک کمیسیون ویتنامی که به جنایات آمریکا در دوران جنگ هندوچین رسیدگی میکند، در یکی از گزارش‌های خود با این نتیجه رسیده که استعمال مواد شیمیایی در ویتنام باعث افزایش فوق‌العاده شماره بیماران مبتلی به سرطان کبد و کودکان ناقص‌الخلقه شده‌است. بنا بر این گزارش هم‌اکنون ۲ میلیون نفر ویتنامی بر اثر اثر مواد شیمیایی به‌هلاکت رسیده‌اند.

خرابکاری برای سائلط کردن يك هواپیمای شوروی در آمریکا

سفارت شوروی در آمریکا اعلام کرده که يك کارمند برج نظارت در روز ۲۸ دیماه، با مختل ساختن هاسم‌اندیکار کامپیوتر، میتوانسته است مسبب سانحه يك هواپیمای شوروی بشود. تنها حسن اتفاق از بروز چنین فاجعه‌ای جلوگیری کرد.

برژنفسکی پاکستان و عربستان سعودی را علیه افغانستان تجهیز می‌کند

درباره گفتگوهای برژنفسکی مشاور امنیت ملی کابل با رهبران پاکستان، گفته شد که آمریکا تصمیم گرفته ظرف دو سال آینده حدود دو میلیارد دلار سلاح در اختیار رژیم سرسپرده این کشور قرار دهد.

برژنفسکی هنگام اقامت در پاکستان از يك «ادوگانه» افغانها و در واقع از «ادوگانه» آموزشی گروههای افغانی، که پذیر نظر سازمان سیا، مستشاران چینی، مصری و پاکستانی اداره میشود، دیدن کرد. این دیدار نشان میدهد که قسمتی از سلاحهای که قرار است در اختیار پاکستان قرار گیرد به گروههای افغانی تحویل داده خواهد شد. ناظران سیاسی مقیمه دارند برژنفسکی درباره ایجاد فرماندهی واحد آمریکا - پاکستان - چین مذاکره می‌کند یا مقامهای پاکستانی انجام داده است. قبلا وزیر خارجه چین هنگام دیدار از پاکستان، این خطه را مورد بررسی قرار داده بود.

برژنفسکی از سوی دیگر با رهبران رژیم می‌تجمع و دست نشانده بهستان نیز در باره باصطلاح مسئله افغانستان مذاکراتی انجام میدهد. هدف اصلی از این مذاکرات آن است که سرپرستار قسمت مهمی از پول سلاحهایی را که آمریکا با پاکستان تحویل میدهد، بپردازد و از سوی دیگر کمک خود را به نفع افغانی افزایش دهد. بدین ترتیب امپریالیسم آمریکا به حساب خلقهای محروم عرب و پاکستان و به کمک رژیمهای ضد خلقی این کشورها منافع امپریالیستی خود را منطقه حفظ میکند.

راديو مسكوبه مناسبت سالگرد بازگشت امام خمينی به ايران، باردیگر پشتیبانی اتحاد شوروی را از انقلاب ايران اعلام داشت

راديو مسكو در بخش فارسی خود در ۱۲ بهمن، بازگشت امام خمينی را به این درسال پیش، «سرآغاز مرحله‌ای جدید در توتو و تکامل انقلاب ایران، خواند و خاطر نشان سا. که «در آن زمان، توفان قیام همگانی مسر سراسر ایران را به جنبش درآورد و وسیع تر قشرهای اهالی کشور، کارگران، دانشجویان روحانیون میهن پرست، دوختنکاران، کشاورزان و صنعتگران بمبارزه علیه رژیم مستبدانه و ونهی امپریالیسم آمریکا برخاستند.» راديو مسكو افزود: «ما مردم شوروی تمام محافل اجتماعی ترقی خواه جهان همچنان و حسن نظر جریان مبارزه سرسختانه تیرهای نیکو و آزادی و تیرهای شرور و ستم را خاك ایران دنبال می‌کردیم. ما خواه پیروزی مردم ایران بودیم که به مبارزه با احقاق حقوق خود برخاستند و بالاخره روزی فرا رسد. این پیروزی با وحدت و همپسوست همه تیرهای انقلابی ملت قهرمان و دلیر! و پشتیبانی تمام تیرهای ترقی خواه جهان انقلاب ایران تأمین شده است.»

در سال گذشته در اتحاد شوروی شرایط مسکن ۱۰ میلیون نفر به یافته است

کمیته ساختمانی اتحاد شوروی اطلاع کرد که در سال پیش، نزدیک به ۱۰ میلیون نفر مسکن خود را بهبود داده‌اند، که ۸۵ درصد، منافع خود را بر این حساب دولت در کرده‌اند.

انگلستان موافقتنامه مربوط به زیمبابوه را نقض میکند

شورای امنیت سازمان ملل متحد به درخواست کشورهای آفریقایی خط مقدم جبهه برای رسیدگی به مداخلات انگلیس در زیمبابوه (روڈیاز) و نقض مواد موافقتنامه بوسیله مقامهای انگلیسی تشکیل جلسه داده است. کشورهای آفریقایی و جبهه میهن پرستان زیمبابوه اعلام کرده‌اند که مقامهای انگلیسی با زیر پا گذاشتن موافقتنامه لندن تلاش دارند بیغ دادرسته امنیت موروزوا در انتخابات مداخله کنند. مقامهای انگلیسی رضایت داده‌اند که شش هزار سرباز رژیم تزارپرست آفریقایی جنوبی در زیمبابوه (روڈیاز) حضور داشته باشند. این سربازان به تیرهای رژیم سرسپرده روڈیاز در حمله به تیرهای چریکی کمک میکنند. بموجب موافقتنامه لندن، در روڈیاز آتش بس برقرار شده است، اما تیرهای سالیسوری برخلاف مقررات این موافقتنامه همچنان تیر-های چریکی را مورد حمله قرار میدهند. و این درحالی است که چریکها کاملاً مقررات را اجرا میکنند.

نمایندگان کشورهای آفریقایی در سازمان ملل در نطق‌های خود سیاست دیپلوماتیک امپریالیسم فر توت انگلیس را افشا کرده و خواستار رعایت کامل اصول موافقتنامه لندن شده‌اند. جبهه میهن پرستان اعلام کرده که در صورت ادامه سیاست انگلیس جنگ را از سر می‌گیرد.

تجدیدنظر در مورد انتخاباتی که در روز ۲۸ دیماه، با مختل ساختن هاسم‌اندیکار کامپیوتر، میتوانسته است مسبب سانحه يك هواپیمای شوروی بشود. تنها حسن اتفاق از بروز چنین فاجعه‌ای جلوگیری کرد.

با اتکاء به پیام تاریخی امام خمینی، مسئله کردستان را از راه مسالمت آمیز، با تأمین حقوق ملی خلق کرد، بسود انقلاب ایران حل کنیم

توجه!

تجدیدنظر سالگرد انقلاب بزرگ و تاریخی مردم ایران نزدیک است. از تمامی دوستان، هواداران و اعضای حزب خواهش میکنیم که هرگونه اطلاع و خاطر مبارز و زیبایی از دوران یکساله انقلاب دارند، هرگونه مکتوب از روی پناه، نهای ماههای انقلاب و همچنین کلیه اسناد و اعلامیه‌های احزاب، سازمانها و گروههای مختلف، که در یکسال قبل از پیروزی انقلاب منتشر شده - در دسترس دارند - اصل یا فتوکپی آنها را برای «مردم» بفرستند و بوسیله صفحات «مردم» را در برگزاری شایسته جشن سالگرد این انقلاب تاریخ ساز، غنی کنند. در روی پاکت بنویسید: «مروم به انقلاب ایران».

شورشیان افغانی با سلاحهای آمریکائی و چینی



عکس بالا بخشی از سلاح‌های آمریکایی و چینی را نشان میدهد، که از شورشیان افغانی بدست آمده و اکنون در کابل در معرض نمایش گذاشته شده است

مروم
ارگان مرکزی حزب توده ایران
دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی
خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸
تلفن: ۹۳۳۴۵۹-۹۳۵۷۲۸
چاپ: کلابان

MARDOM
No. 159
5 February 1980

Price:
West - Germany 0.80 DM
France 2 fr
Austria 8 Sch.
England 20 p.
Belgium 10 fr.
Italy 350 L.
USA 50 Cts.
Sweden 1.50 Skr.